

با آنکه به هیچ جرم رای آوردم
صد ره به تو عذر جان فزای آوردم
گر عذر مرا نمی پذیری میپذیر
من بندگی خویش به جای آوردم

رباعی . خاقانی

سبک شناسی معماری ایرانی معماری اسلامی

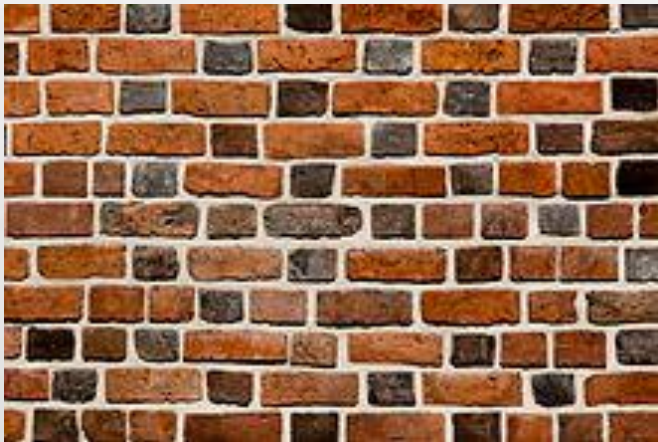


موضوع تحقیق : واژه شناسی معماری ایران پیرنیا

گرد اورننده : بهزاد پورهمدمی

استاد راهنما : مهندس س . طیاح

آبساب: آجر تراش داده شده ای که با آجر دیگر در آب ساییده شده باشد



آجر پیش بر: آجری که قبل از پخت به صورت دلخواه شکل داده اند



آژند: ملات



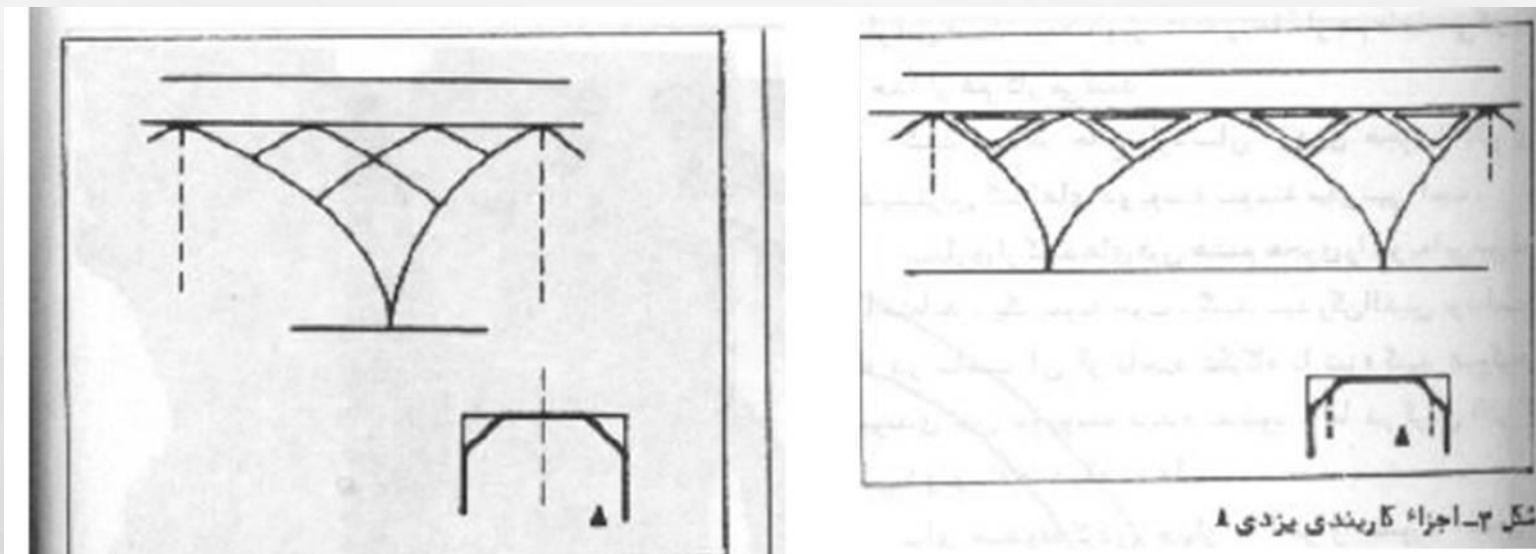
آفتابگیر: قسمت متمایل به جنوب غربی، یا جنوب شرقی ساختمان



آفتاب کور: قسمت رو به غرب ساختمان.



آهیانه: به معنی جمجمه، در گنبد‌های دو پوسته، پوشش زیرین را گویند.



آمود: آرايشی که پس از پایان کار ساختمان بر آن می افزایند، تزئین الحاقی، نماسازی سنگی، آجری، کاشیکاری و گچ بری.



آسمانه: سقف



شش گره : اندازه از نوک انگشت تا ارنج در معماری به اندازه 40 سانتی متر



إزاره: قسمتی از پایین دیوار است که معمولاً برای استحکام بیشتر
آمودی از سنگ و کاشی است



ازج - ازغ: در معماری پوشش منحنی را گویند.



اسلیمی: نقش گردان یا انحنادار است.



تصویر ۱۶: گچبری رنگی پیشانی بالای محراب با اسلیمی های طلایی رنگ و نقوش هندسی (نگارندگان)



تصویر ۱۵: بخشی از گچبری های رنگی سه کنج ها با قاب بندی های هندسی و نقوش اسلیمی و گره (نگارندگان)



تصویر ۱۸: توبی های گچی ته آجری (نگارندگان)



تصویر ۱۷: نمای نزدیک از گچبری سه کنج ها با نقوش گیاهی و هندسی (نگارندگان)



۳۱- کتیبه ثلث بر زمینه ای از اسلیمی های برکار (تصویر از نگارندگان)

استودان: استخوان دان، جای نگهداری استخوان مردگان (در کیش زرتشتی) مانند آرامگاه های نقش رستم فارس.



Amordadnews.com • عکس: سیلوش آریا

تارنمای خبری زرتشتیان



اسپر: دیوار جدا کننده دیواری که میان دو پایه باربر میسازند بخشی از نمای ساختمان که در پنجره نداشته باشد



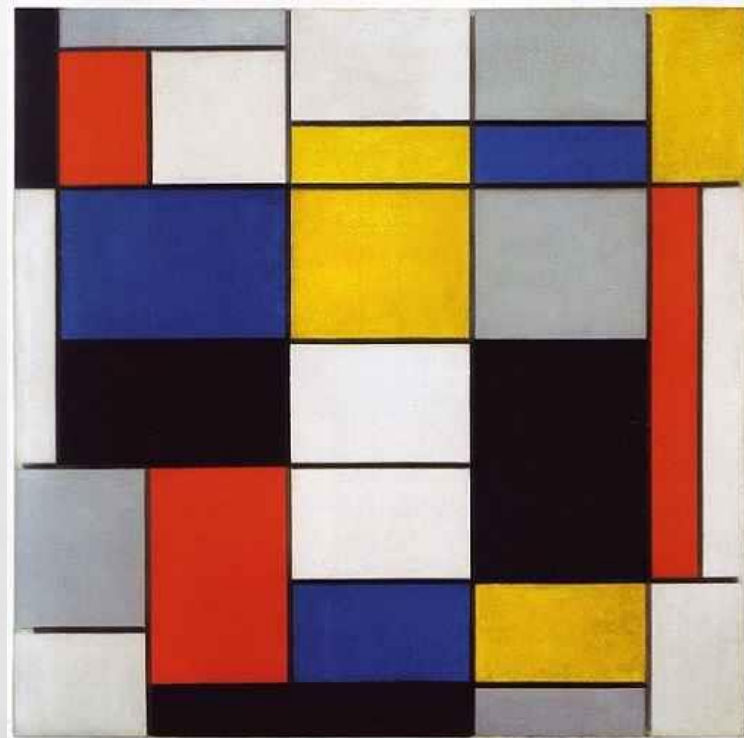
اشكوب: طبقه، سقف



افراز: ارتفاع، بلندی



انبسان: كنتر است



اندود دیمه: اندودی است که از خمیر آهک و خاکستر چوب بدست می آید.
برای آب بندی بدنه ی آبگیرها و بند دیوارها را به دیمه می اندایند و آنقدر ماله
می کشند تا کاملا صیقلی و سخت شوند.



انگدان: بخشاب، تقسیم کننده آب جوی هایی سنگی که در پشت سدها
برای تقسیم آب می سازند.



اوزیر - افزیر: واداشتن، در معماری به معنی استخوان بندی بناست.



ایدری: مصالحی که از محل برداشته می شود.



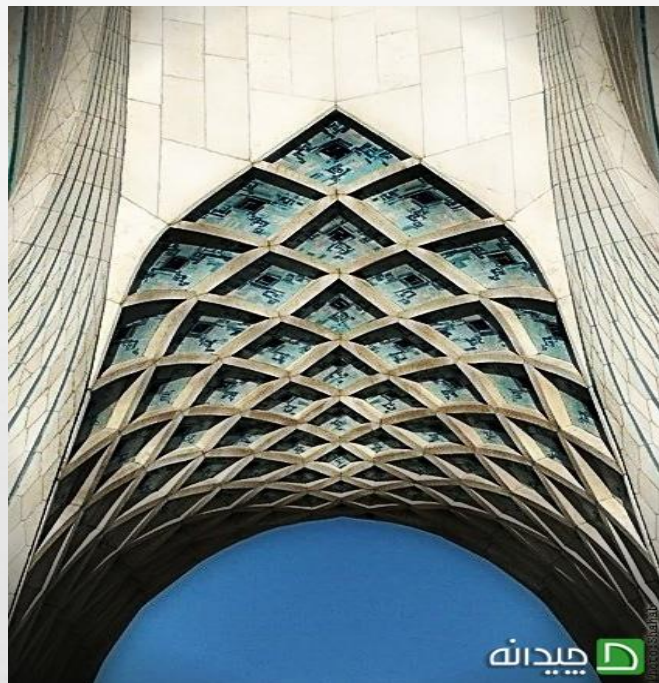
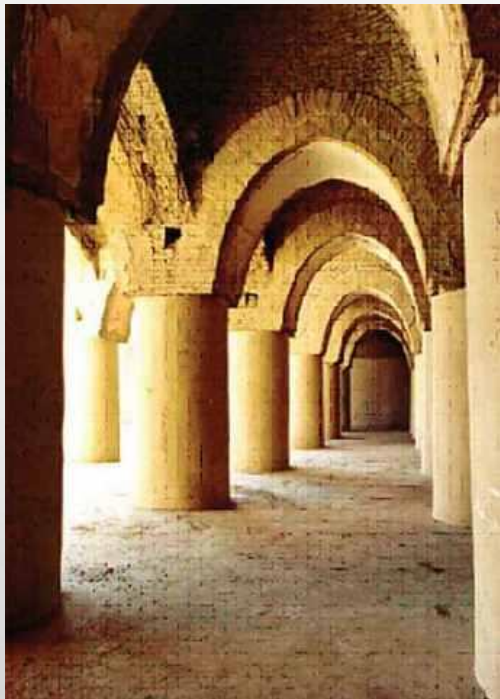
**بادپیچ - بادپروا: ترکهایی که جهت گرفتن باد در طاق ایجاد میگردد،
به بادگیر هم اطلاق می گردد.**



برسویا - برساو: اطراف چیزی را ساییدن، ساده کردن، پرداخت کردن



بستو: نوعی قوس بیضی شکل است که در ساخت گنبد استفاده می شود
و نسبت فاصله ی کانونی به دهانه ی آن ۴ به ۳ است.



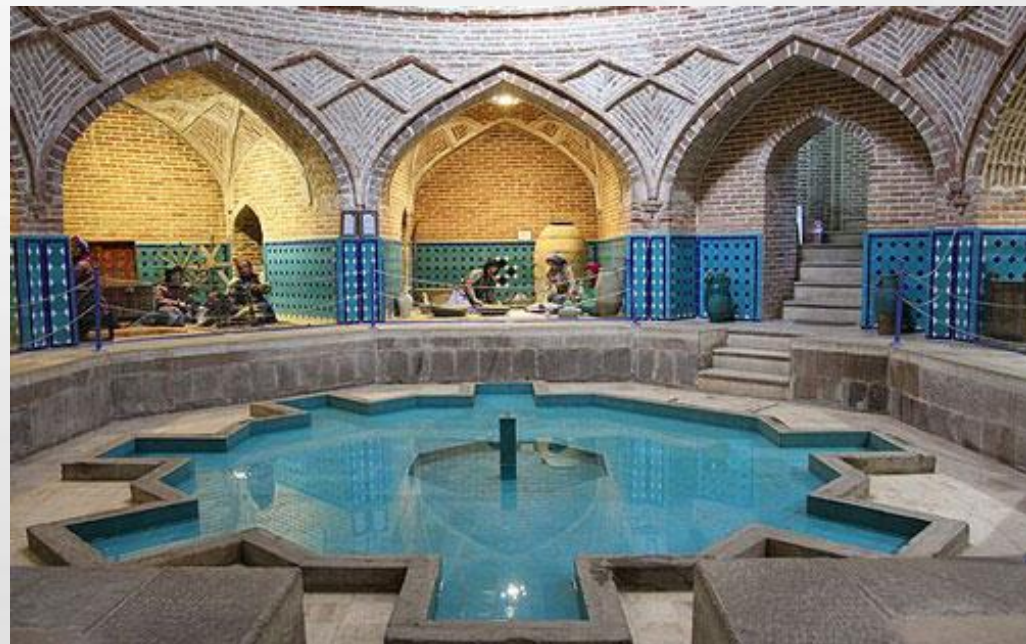
بوم آورد: از محل، حاصل خود محل، مصالح بوم آورد یعنی
مصالحی که از خود محل باشد



بیز: به معنای تاب است در معماری نوعی چفد (قوس) بیضی شکل



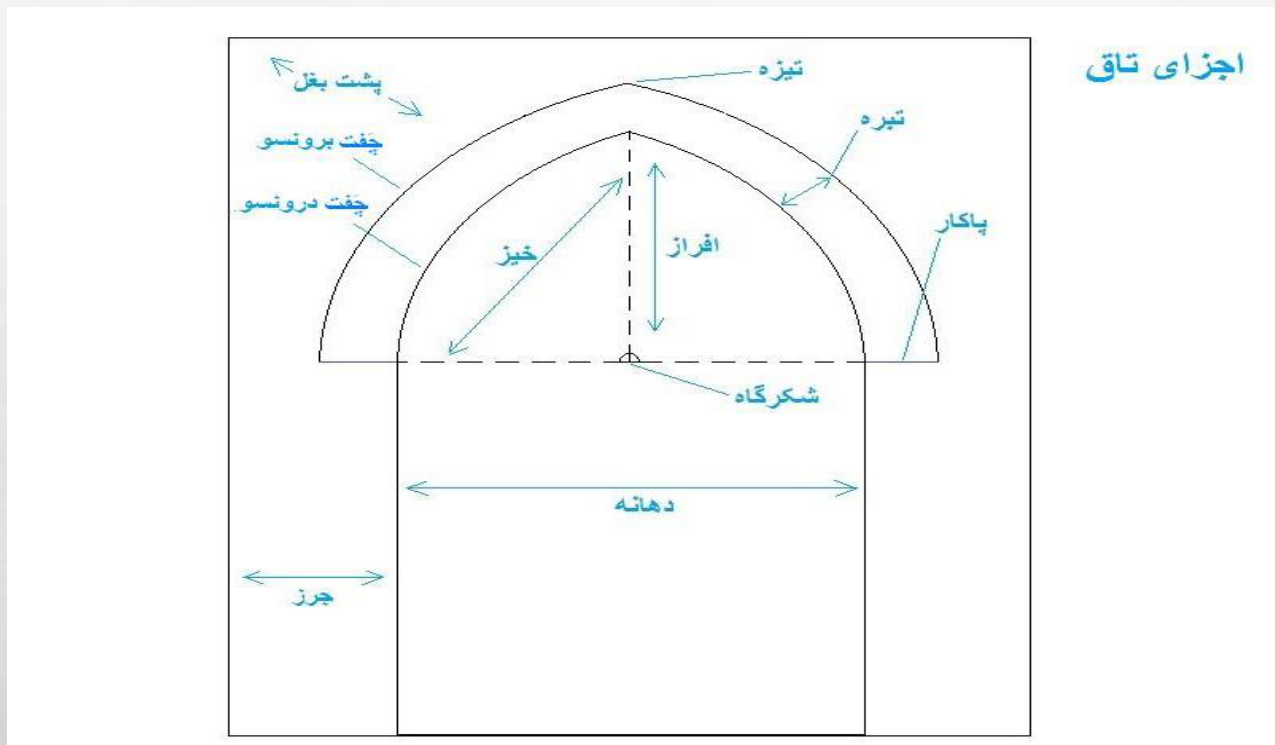
پادیاو: حیاط دور بسته ای که حوض یا جوی آب در میان داشته باشد،
گودال باغچه (به فرانسوی پاسیو گفته می شود)



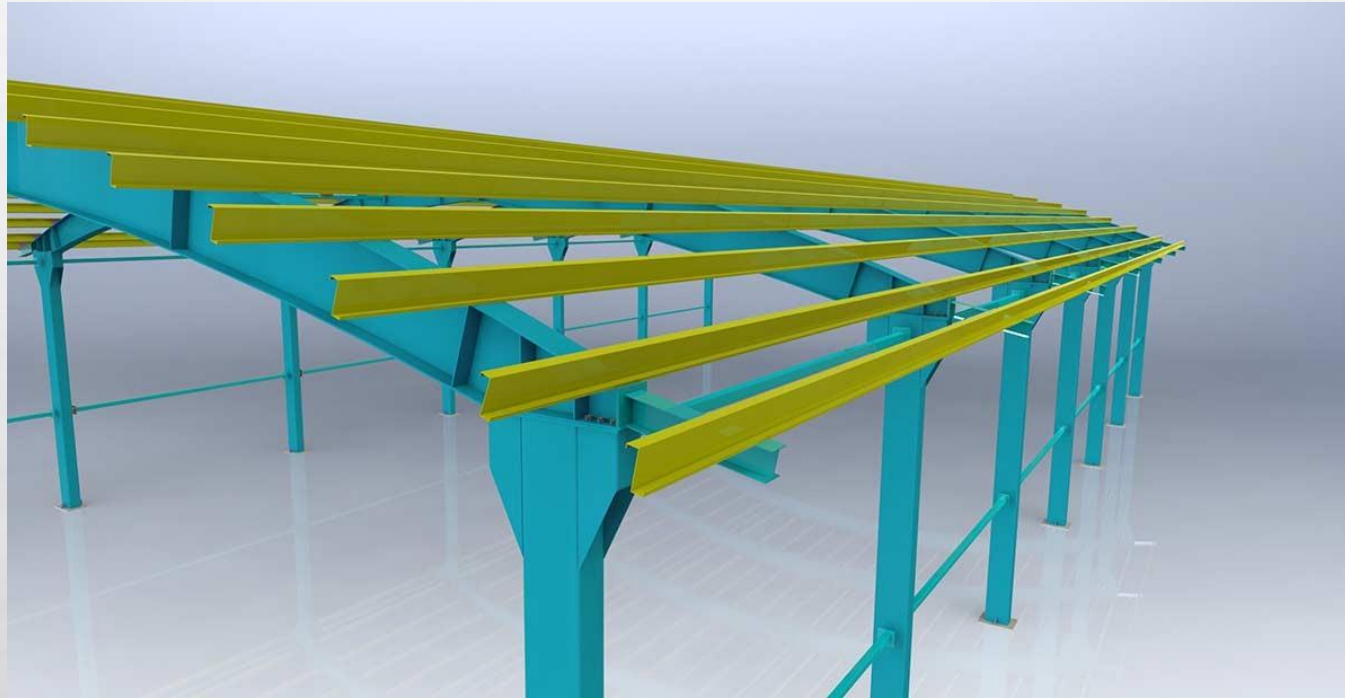
پاراستی: در معماری ایران چفت و طاق و گنبد را از جایی که شروع می شده قطع نمی کردند بلکه تکه ای را به صورت عمودی بالا برده سپس منحنی را شروع می کردند.



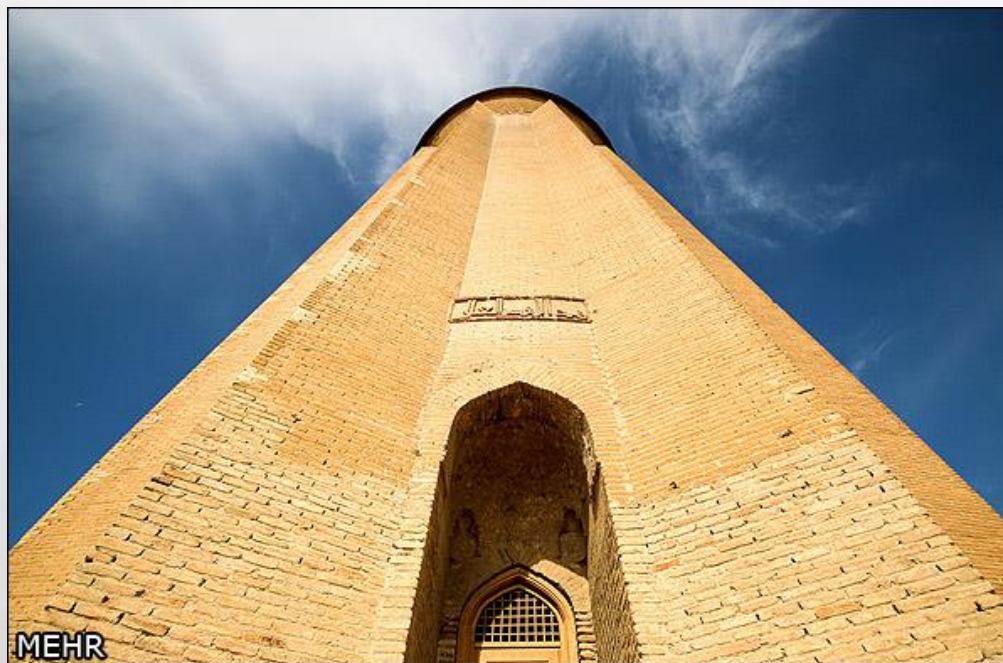
پاکار: جایی که طاق شروع می شود.



پالار: تیر حمل یا چیزی که فرسب روی آن قرار می افتد



پتکانه: طاق بندی، طاقچه بندی، طاق های کوچکی که روی هم سوار می شوند



MEHR

Photo: Ahmad Agh

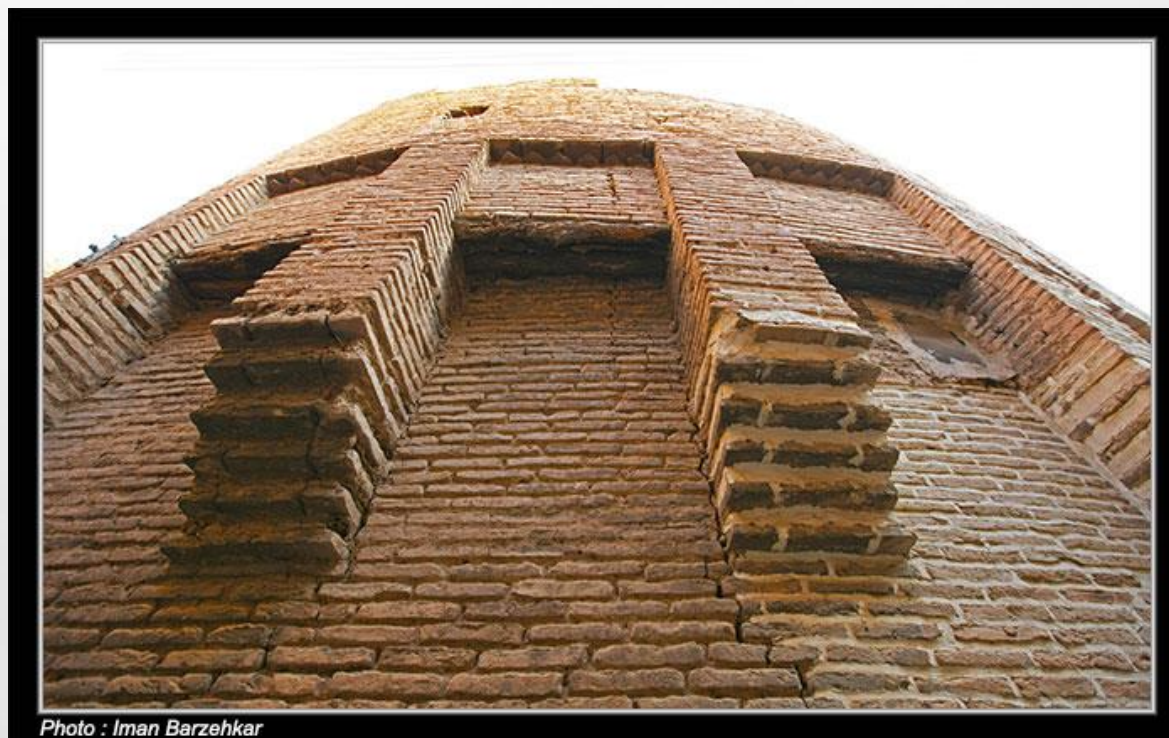
MEHR NEWS AGENCY



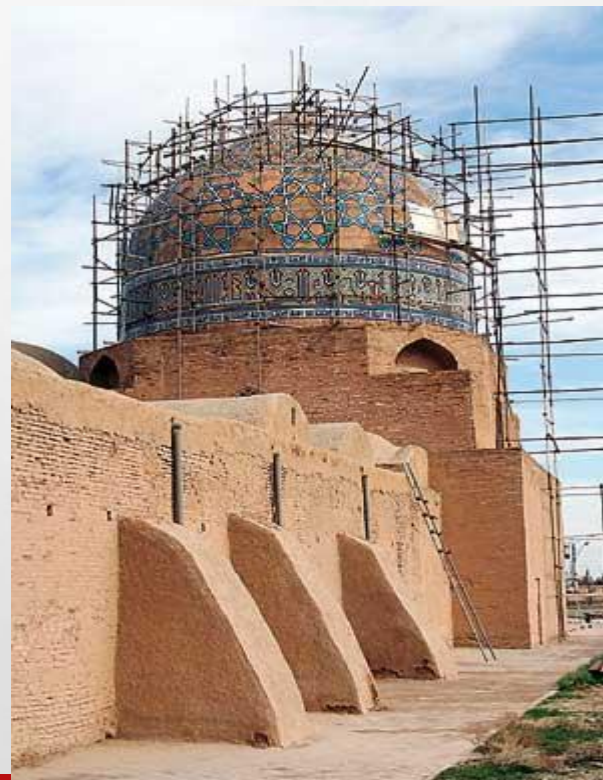
ان

Anobanini.ir

پتکین: در خوزستان تونجه گویند. یعنی چیزی که به ترتیب از پایین
به بالا پیش می آید



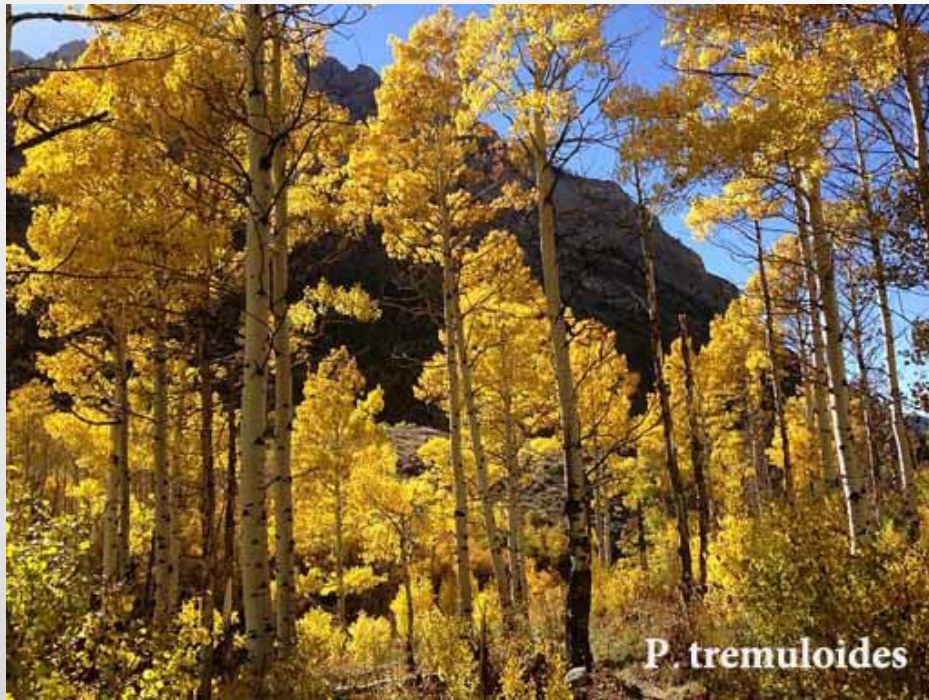
پدپیل: پشت بند، دیوار یا نیم طاقی که در پشت دیوار برای نگهداری آن بسازند



پد جفت: تضاد تنوع کاری که برای برهم زدن قرینه و یکنواختی انجام دهند پا جفت



پده: درخت بی بار مثل: شورانه، تبریزی و سپیدار



پرورز: قاب، مرمر، تطبیقات به صورت قاب بندی مربع و مستطیل
در نمای ساختمان

پرورزبندی: قاب بندی

پردالی: منحنی قوس به صورت نیم دایره



www.negahmedia.ir

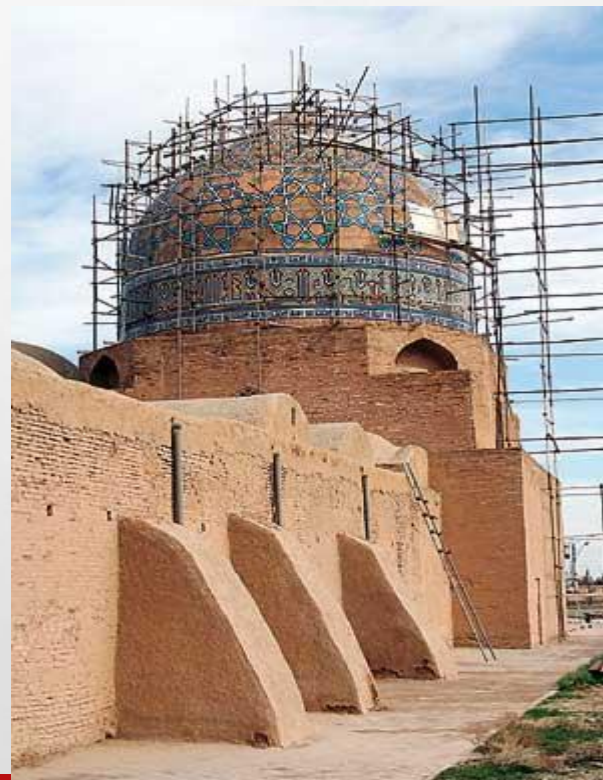
خانه اربابی شهر گرکوند مبارکه اصفهان



IMNA NEWS AGENCY

Photo : Received

پشت بند: دیوار یا نیم طاقی که در پشت دیوار یا ساختمان به منظور استوار داشتن آن بسازند



پیکته پت کوفته : خشت یا سنگی که بطور عمودی در محل‌های خالی دیوار می‌چسبانند



پنام: عایق. دستمال و پارچه ای که موبدان در جلوی دهان خود می
آویختند.

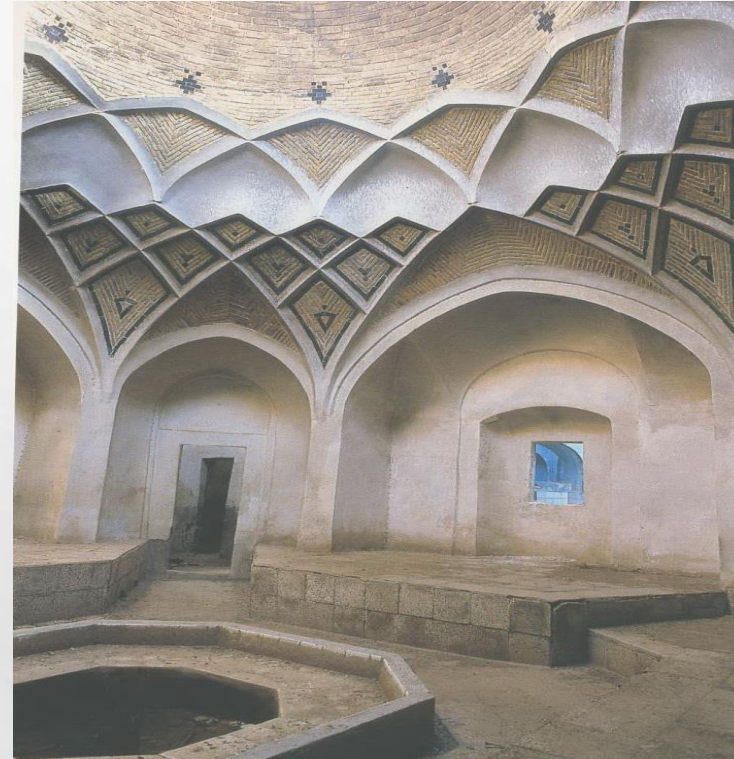
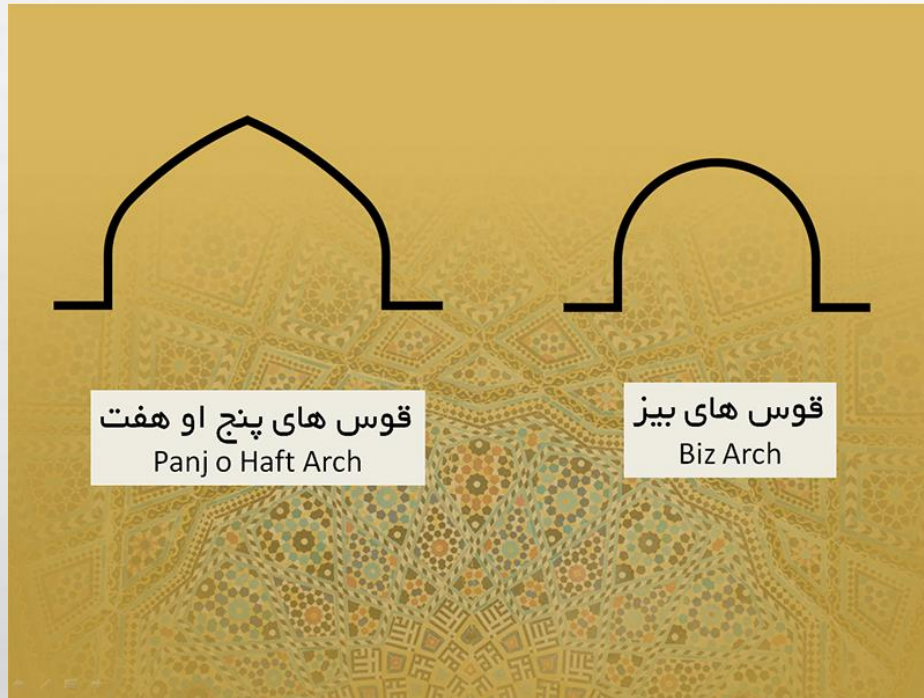


پناه: در خانه یا ساختمان قسمت رو به آفتاب را گویند



پنجه پی: بیرون زدگی پی از دیوار

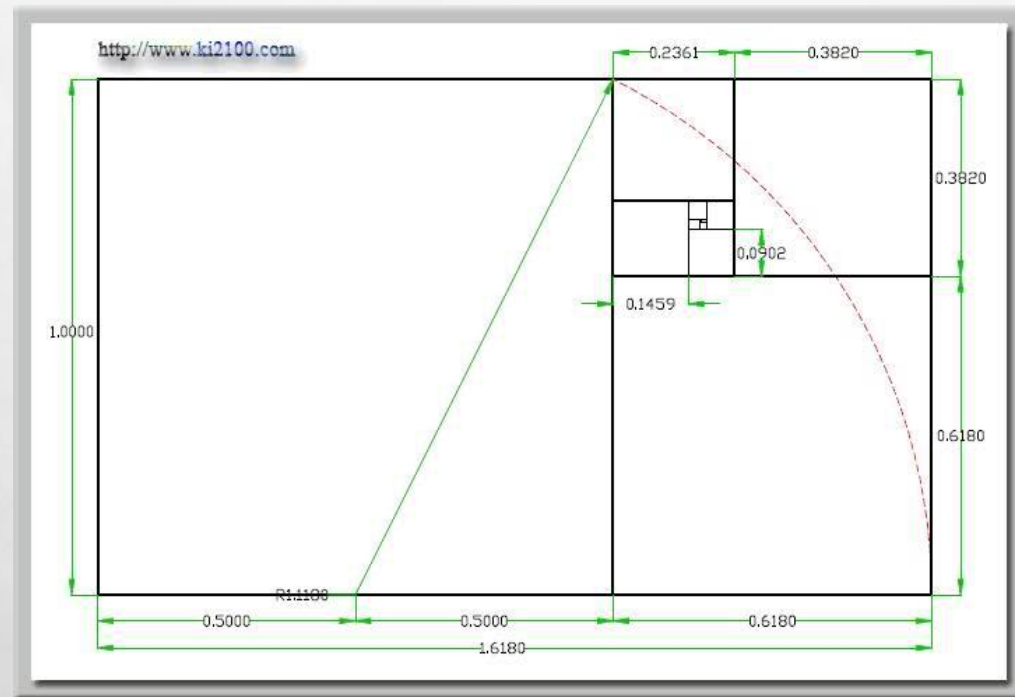
پنج او هفت: پنج یعنی درگاه و او هفت یعنی پوشاندن



پوشش تخت: پوشش هایی که با استفاده از تیرهای چوبی به صورت صاف زده می شود



پیمون: اندازه و مقیاس، اندازه های مشخص و معینی که در طرح تکرار شود



پیزر: گیاهی شبیه نی، نی قلم



پیلک: ستونک باریک و کوچکی که سرسوک دو دیوار قرار گیرد
کاخ بیشاپور



پیس پیسه: موزاییک های رنگی جهت تزئین



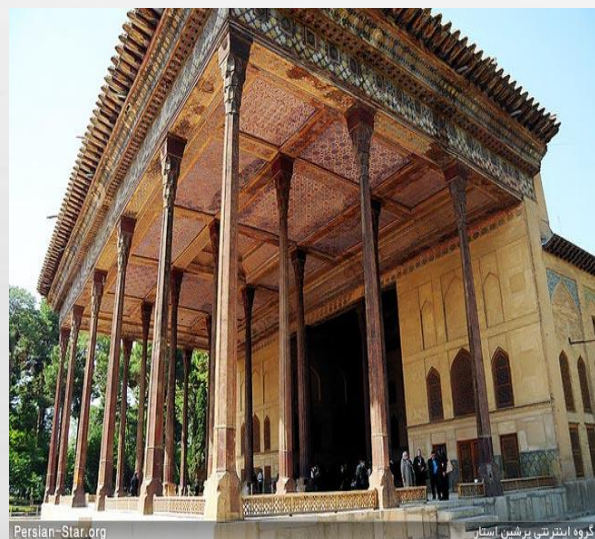
تابش بند: تیغه های نازکی که جهت جلوگیری از تابش مستقیم آفتاب در جلوی اتاق ها قرار می گرفته است.



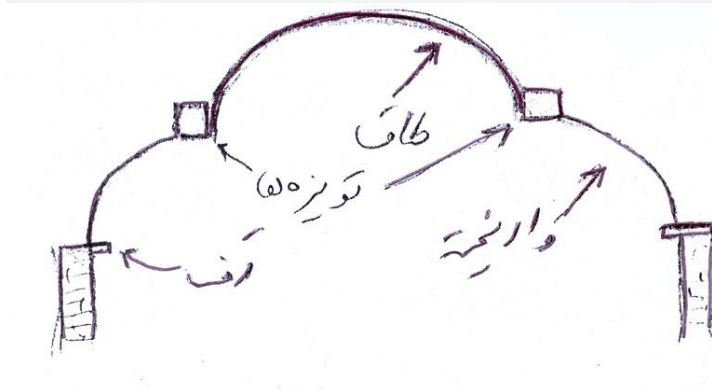
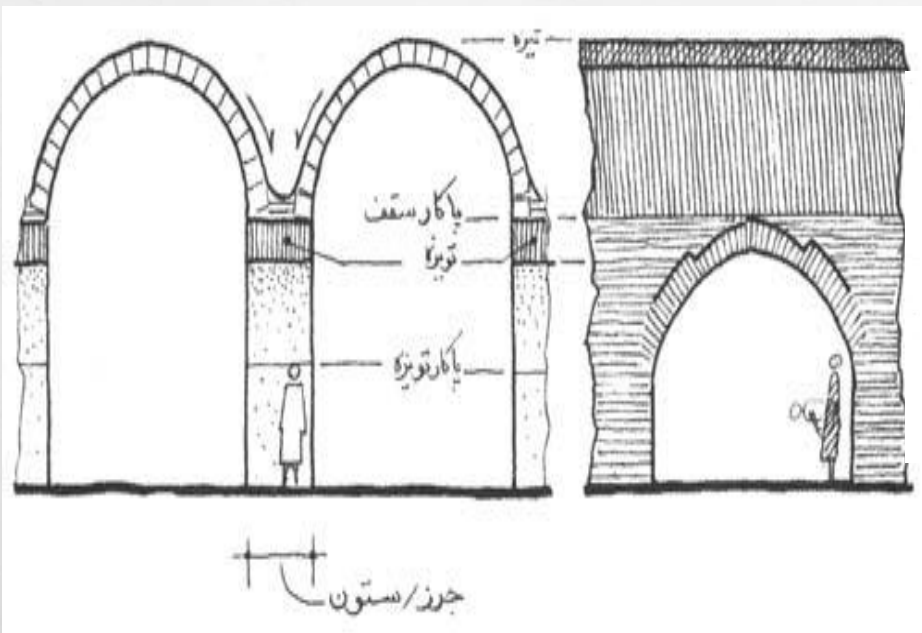
تُرکشی: ریسمان کشی



تونگان: پیش کرده، مقرنس های سرستون، مثل سرستون های عالی قاپو و چهل ستون اصفهان



تویزه: دندان های اصلی پوشش طاق ، لنگه ، قالب ، قوسی که با گچ و نی می سازند



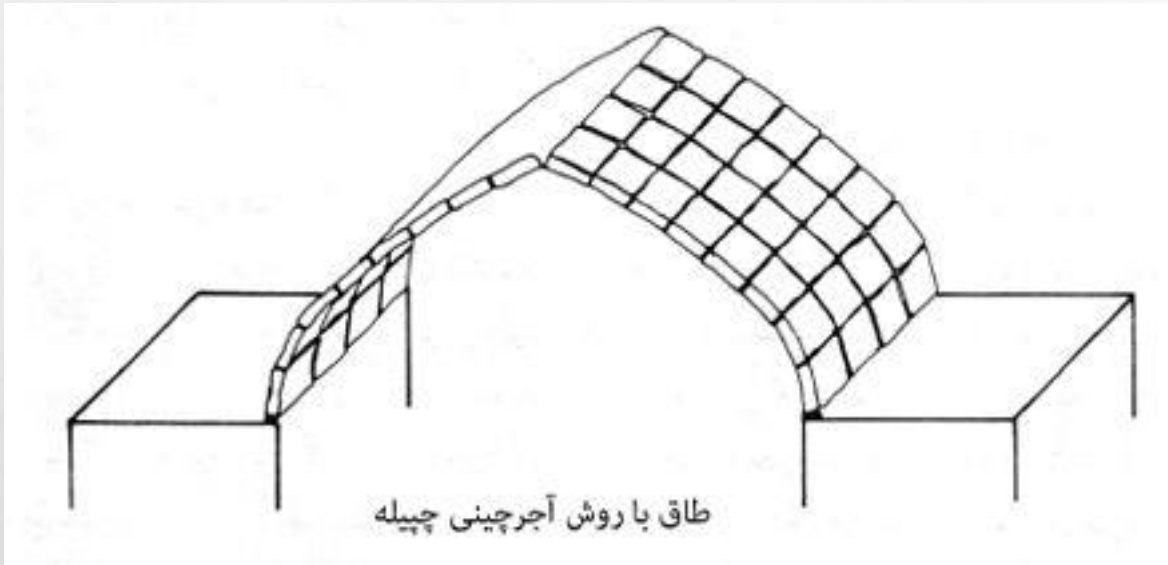
تیغه: دیوار جدا کننده باریکی



تیر کش: رخنه ای در زیرکنگره بارو - سوراخی که در شکاف آن تیر می اندازند



چپیلہ: پوشش سردرگاہ



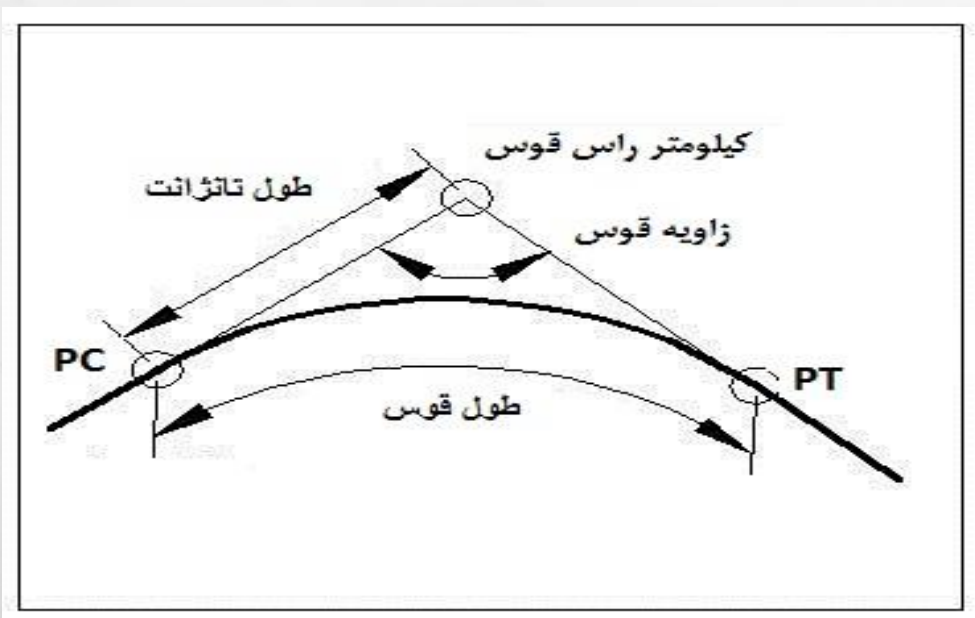
چفت، قوس، طاق و قوس بالای درگاه



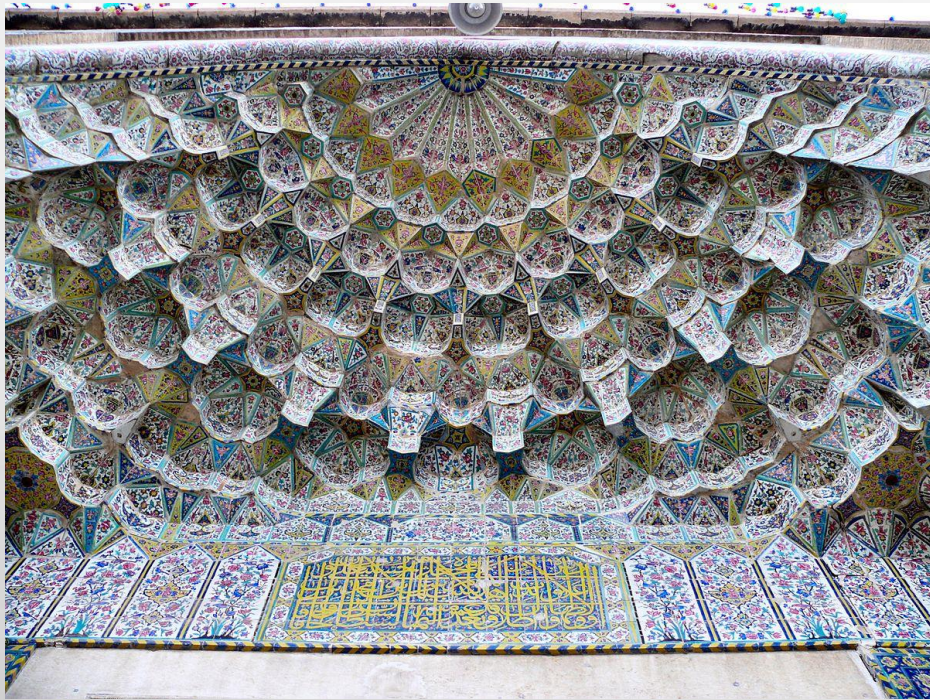
چغازنبیل: چغا به معنای تپه، کوه، بلندی و چغازنبیل به معنی روی هم چیده شده است



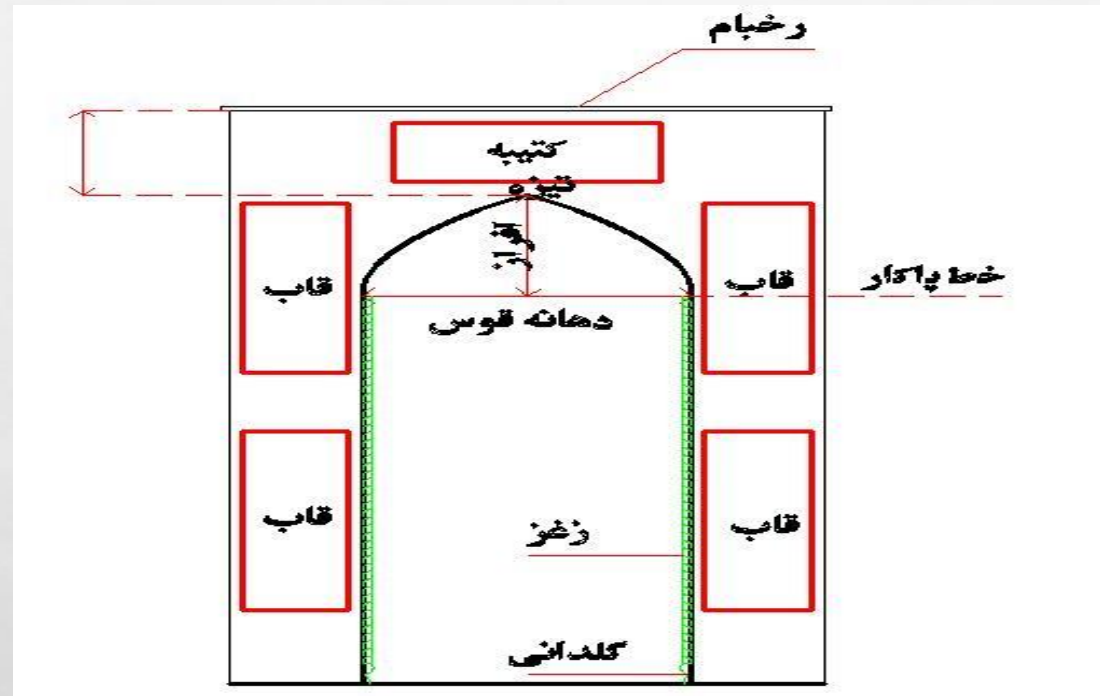
چَفْت: قوس



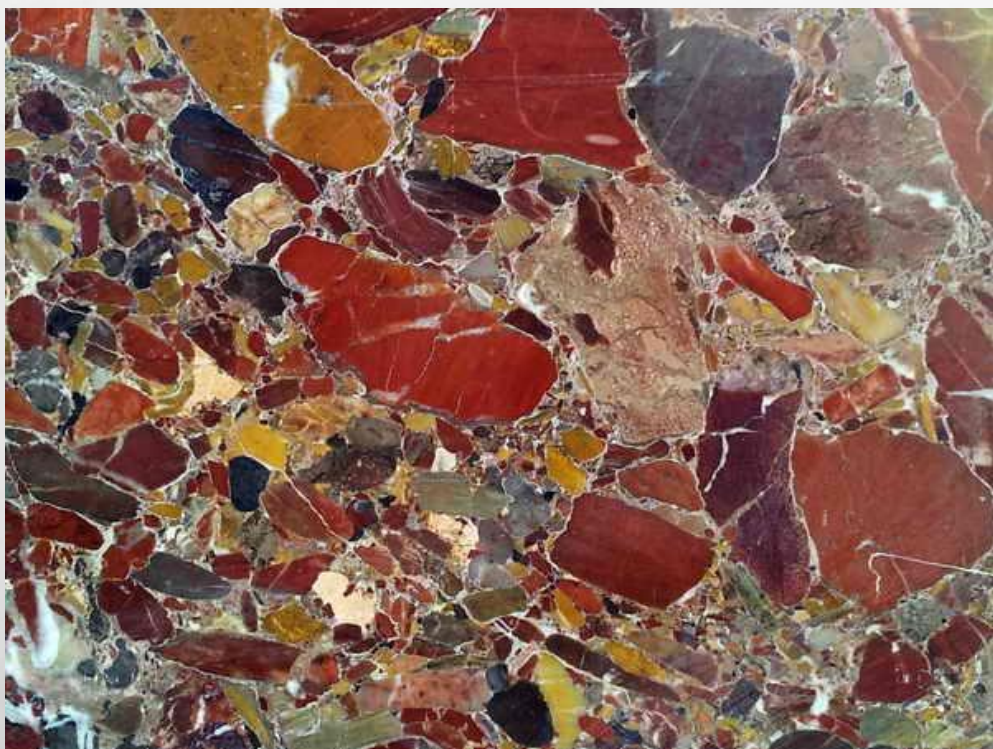
چفت آویز: نوعی مقرنس که آویخته از سقف است



چکاد : ایوانها فاصله بین تیزه قوس تا رخیام



چلويا کرشک: کنگلومرا، ترکیبی از ماسه و روس طبیعی که به صورت بتن درآمده است



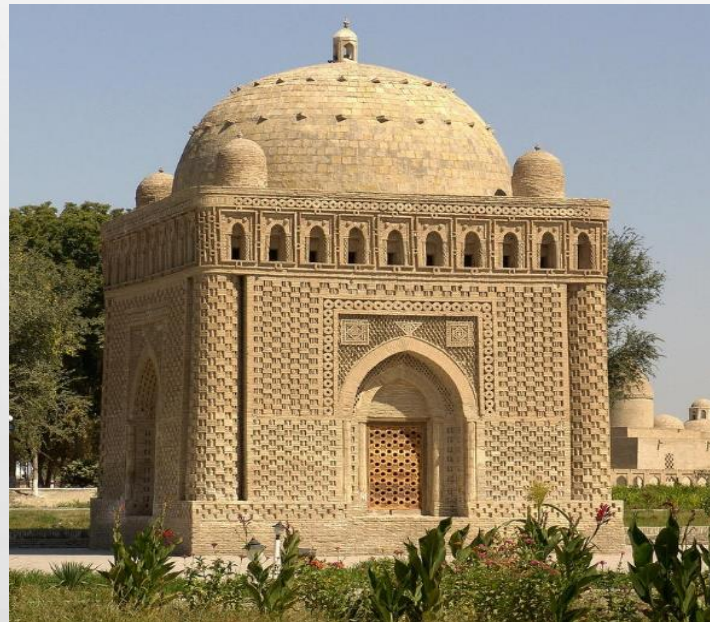
چمانه: نوعی قوس است که از تقاطع دو بیضی بدست می آید



چندن: چوب سختیست که از هندوستان می آورند



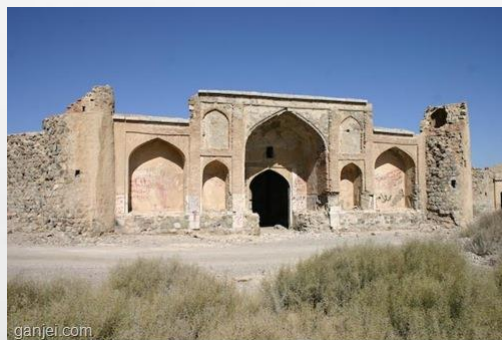
چهارستون: جری که در چهار گوشه ی آن پیلک داشته باشد



چهاربخش: نوعی پوشش که از تقاطع دو طاق آهنگ بوجود می آید



خان خوره: خان به معنای کاروانسرا و خوره به معنای محل



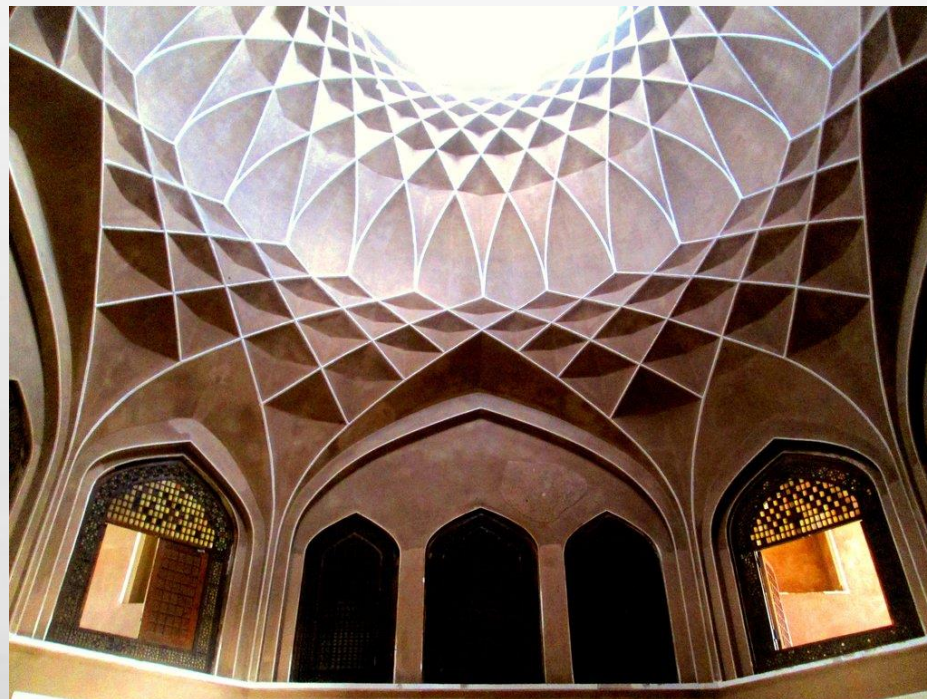
خفت افتادن: پایین افتادن



خود: پوشش رویدن گنبد



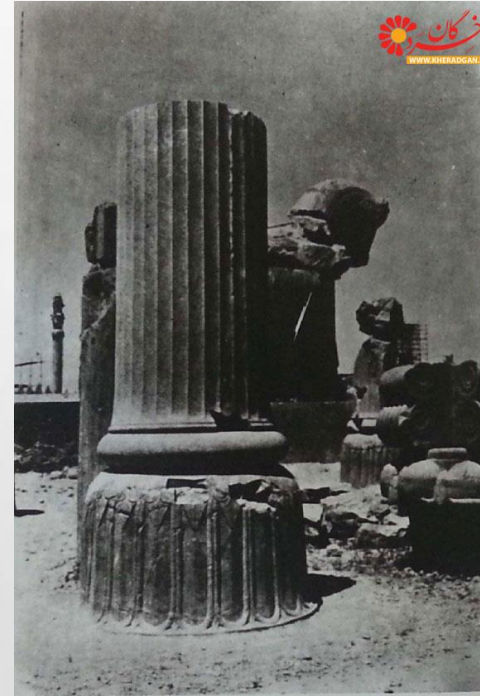
خوانچه: سقف آویخته ای که برای دهانه های بزرگ از طاق می
آویزند



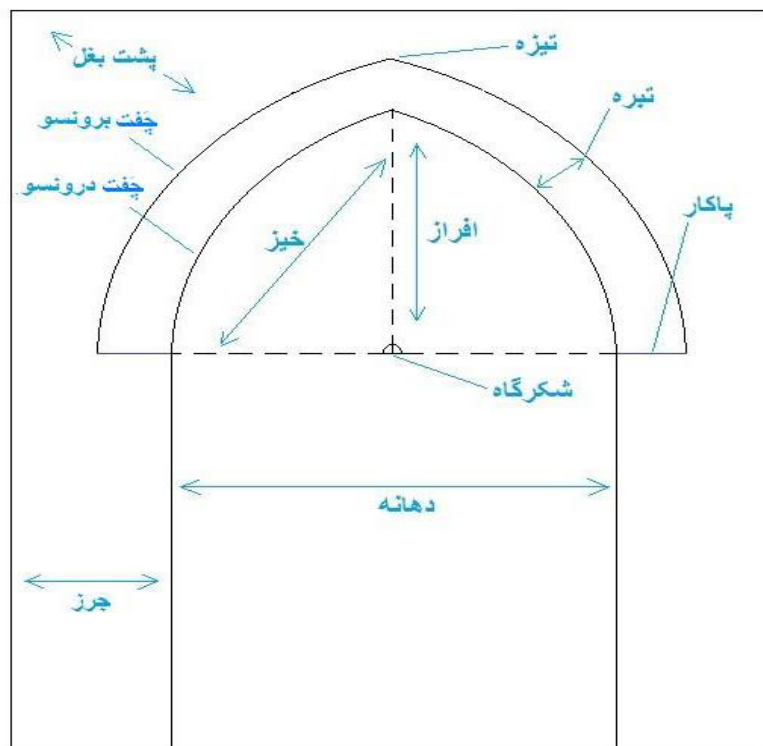
خوانچه پوش: قطعات مختلف کاربندی که بین دو تویزه را میپوشاند



خياره: شيارهای روی ستون



خیز: نسبت افراز به دهانه ی قوس



اجزای تاق

خیشخان: هواکش های روی پشت بام



دسکره: کوشک و ساختمانی که در میان باغهای بیرون شهر و در روستاها و تفرجگاهها می ساختندش



عکس از امین زندی دوره غربی
KhuzNews.ir

دوال: عنصری که بعد از کلاف بندی پای طاق ها بر روی پنجره ها، جرزها و بالای طاقچه ها باگچ و با شکلی ساده که برجسته تر از دیوار است می سازند.



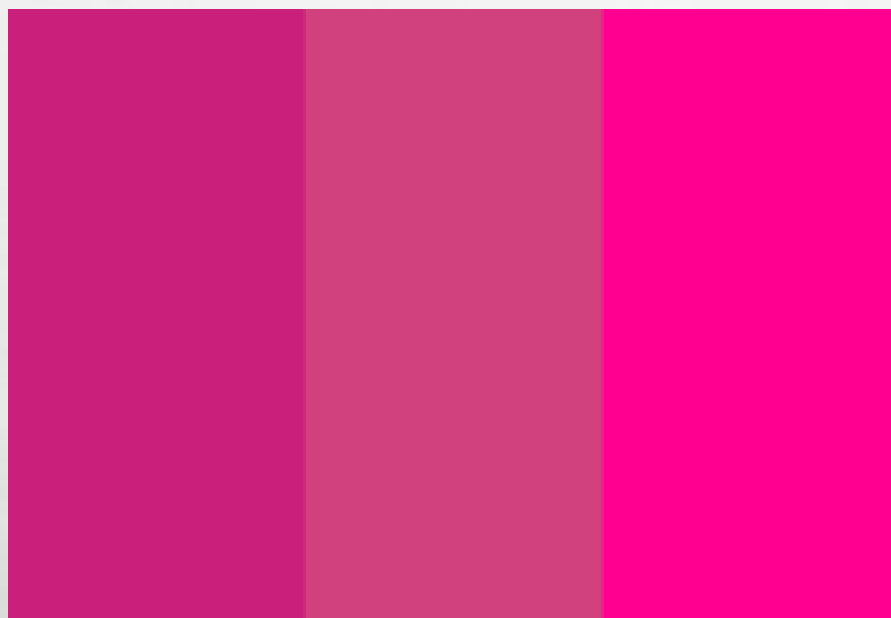
رخبام: پیش آمدگی لبه ی بام



رگ چین: چیدن ساده ی آجر و سنگ و خشت لایه لایه بر روی هم



رنگ بدافی: رنگ نزدیک به بنفش که از دوره ی قاجاریه در کاشی سازی مرسوم بود



رودزن: بند و سدی که برای ذخیره ی آب در پیش رودها بندند

رنگ بنفش مانند گل نگون ساررنگ نگون سار

روسوخته: فلز روی سوخته



روشنندان: شبیه کلاه فرنگی است. عنصری با شکل‌های مختلف است که جهت نورگیری به صورت عمودی بر روی طاق‌ها قرار می‌گیرد



روغن منداب: روغنی که برای جلوگیری از خوردگی چوب به وسیله
ی موریانه استفاده می شده است.



ریگ بوم: بوم به معنی زمین است، زمین های ریگی.



زغره: پیلکی که دور چفت نیز می چرخد



زمو دگري : نقش بندي



ژاژ: نوعی خاری که در بعضی مناطق کویری به جای کاه در کاهگل استفاده می شود.



ساخت: مصالح



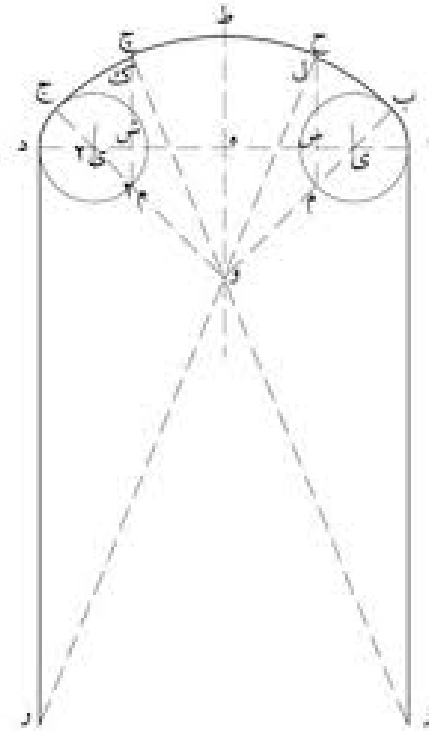
ساروج: از ترکیب کلوخه گچ و آهک . گل رس و ماسه بدست می آید.



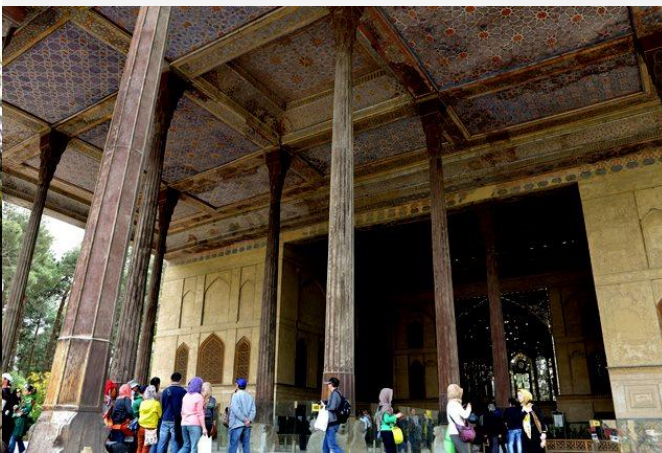
سازو: طناب هایی از الیاف خرما



سبویی: نوعی قوس است که از تقاطع دو بیضی به دست می آید



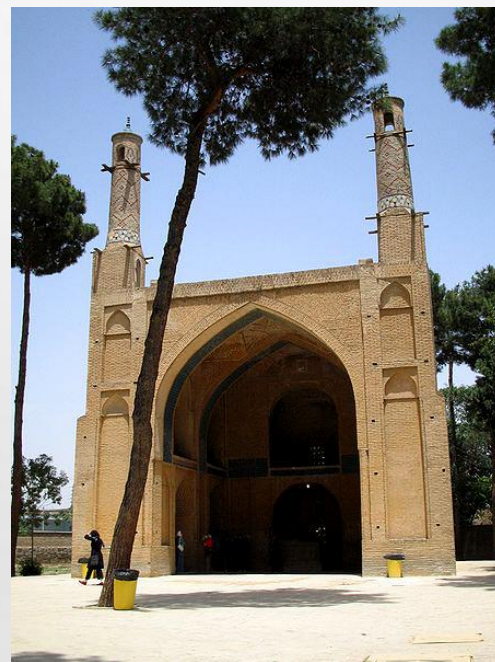
ستاوند: چهل ستون هایی که در سه طرف دیوار ندارند مثل چهل ستون اصفهان.



ستون آورند: مکان هایی که فقط یک طرف آن ستون دارد



ستون چهارپری: ستونی متشکل از چهار پیلک به هم چسبیده



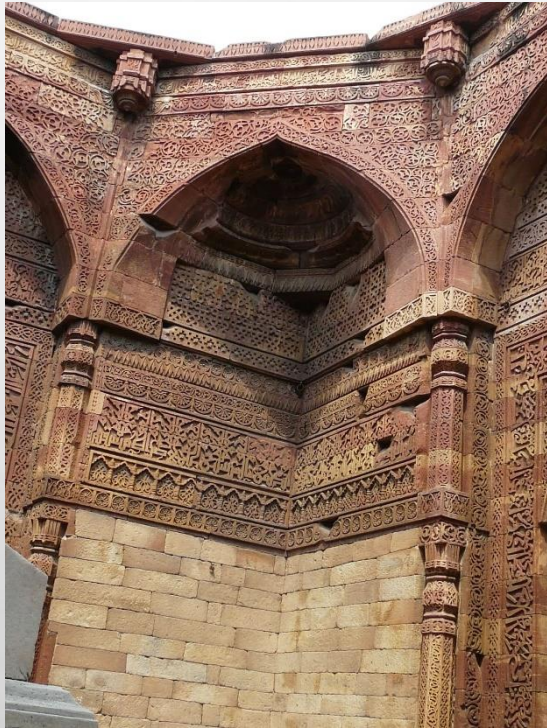
سفال مهری: قطعات سفالی است که به صورت پیشبر از گل نیخته می برند و روی آن مهر زده سپس آن را می پزند و گاهی لعابدار هم هست



سفره خانه: اتاق پذیرایی، مثل سفره خانه کاخ سروستان



سکنج: سه یعنی بیرون آمده، کنج بیرون آمده، شکلی که از تقاطع دو طاق بوجود می آید



سنبوسه: در کاربندی قسمت مثلثی بالای شاپرکها است

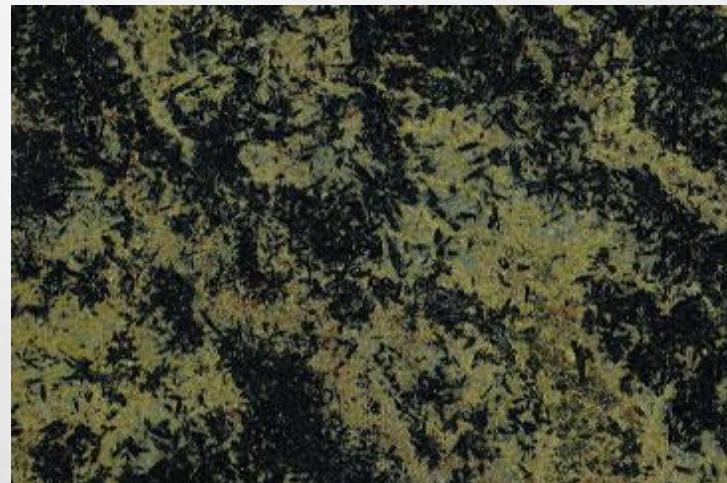
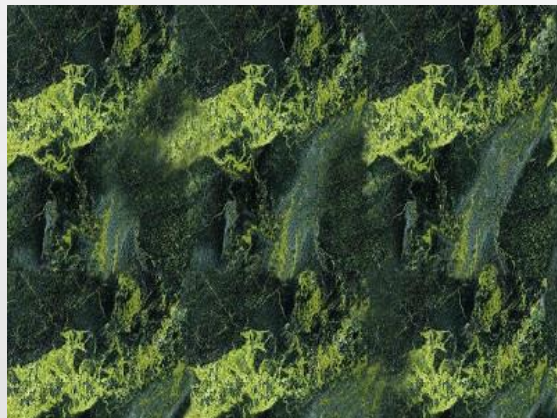
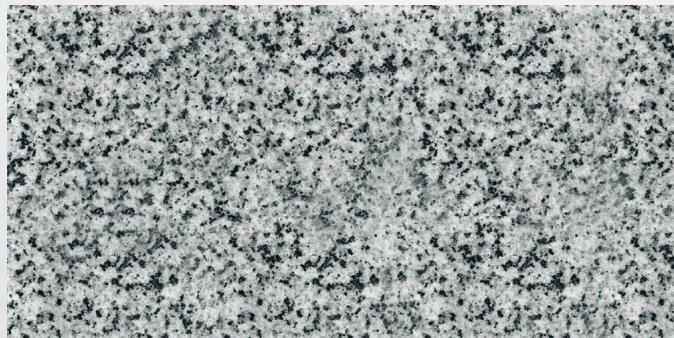


سنگ پاک تراش: سنگی که خیلی تراشیده شده باشد، ریز تراش و تقریبا صیقلی است



نقش شیرین (بیستون)

سنگ خارا: گرانیت



سوسنی: پیاباریک لوزی که دو ضلع پایین آن بلندتر از دو ضلع بالا باشد



۶- شکل لوزی حاصل از تقاطع ترک بندها

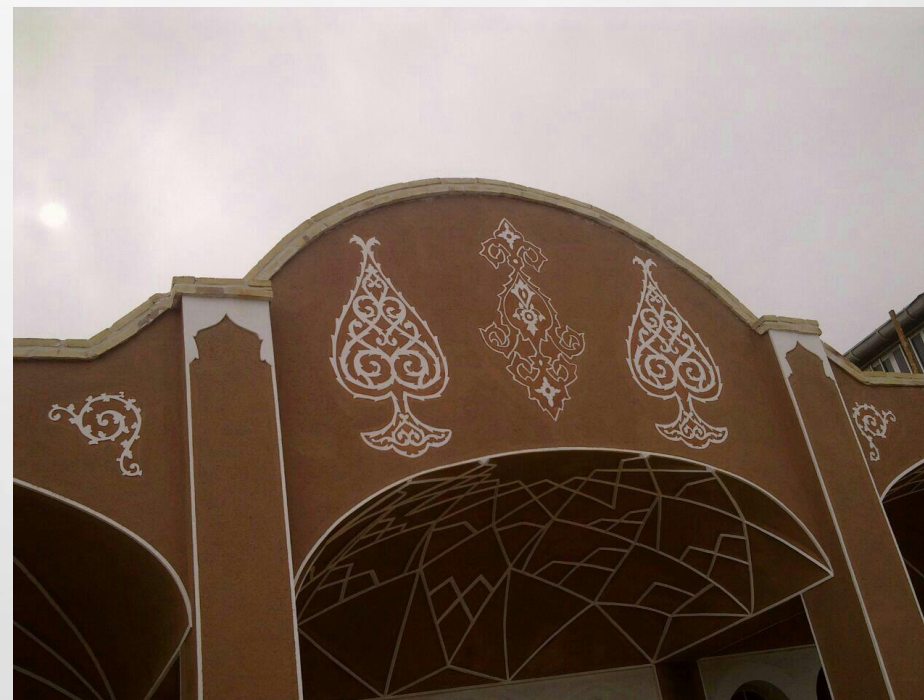


سیمگل: ملاتی از ماسه و گل رس و اندکی گچ نیمکوب است



ISNA

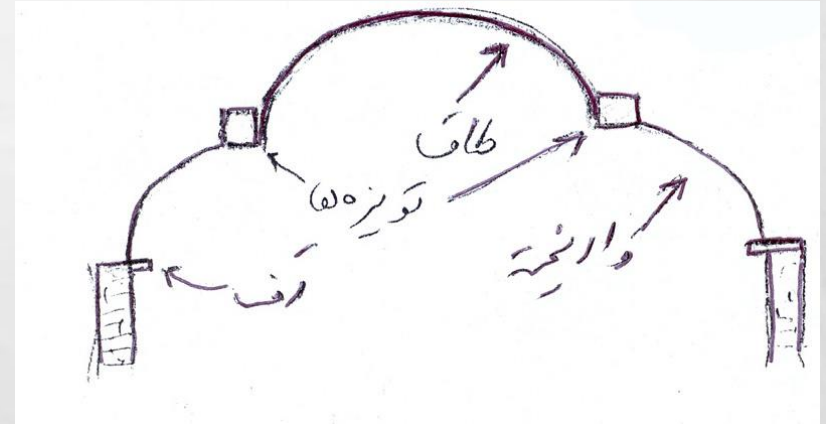
PHOTO: ISNA



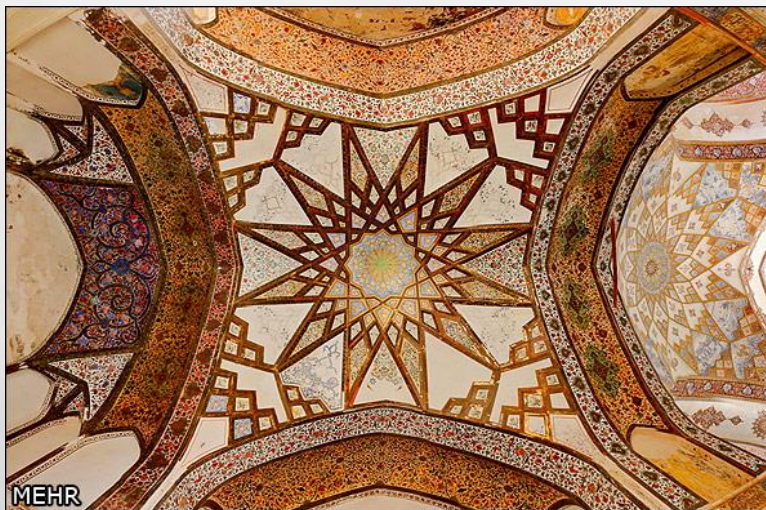
شاپرک: یا سرمه دان، در کاربندی عنصری است که دو ضلع پایین
آن بلندتر و دو ضلع بالا کوتاه تر است



شاه توپزه: توپزه بزرگ



شش بند: ستاره تزیینی (نوع معروف آن شش بند شیرازی) در گره سازی معمول است



MEHR

Photo: M. Varvani Farahani

MEHR NEWS AGENCY



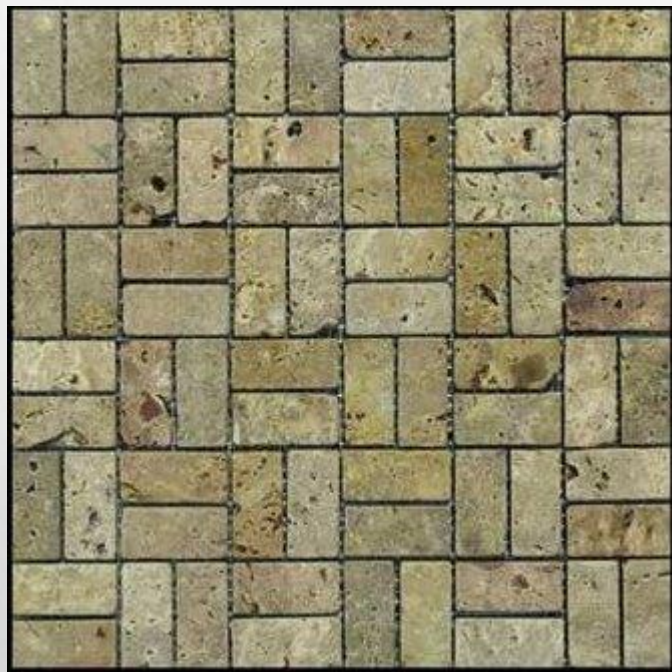
شفته: ترکیبی است از گردآهک شکفته ی آبخوار شده و گل رس و ماسه که برای یکنواخت شدن زیر ساختمان در پی سازی بکار می رود.



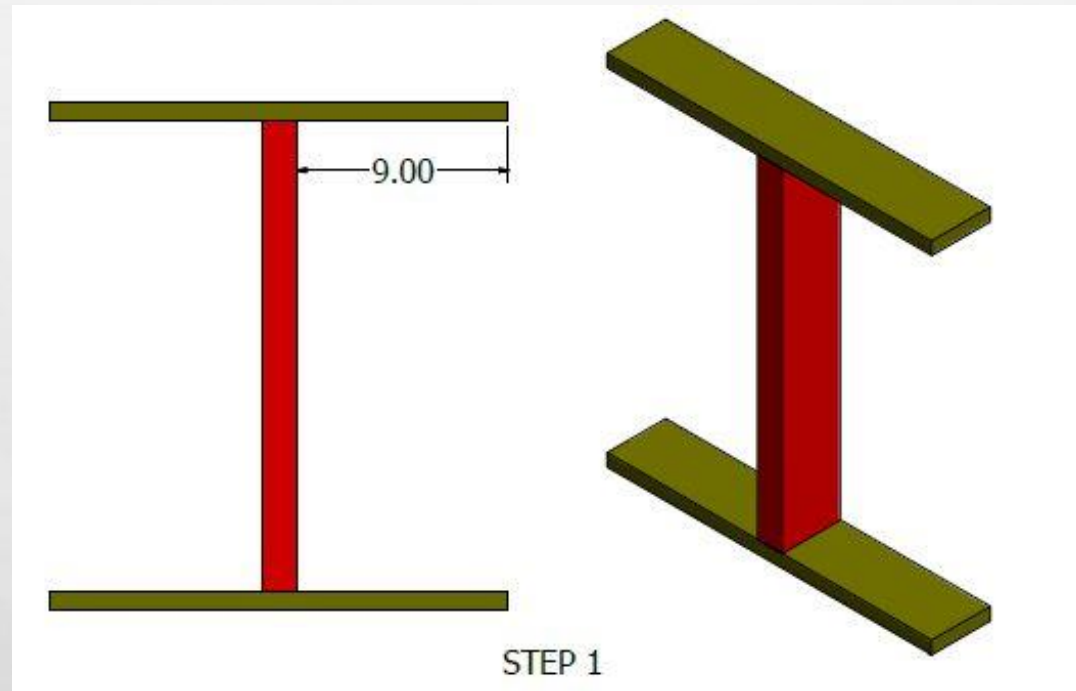
شکنج: چین و شکن طاق بند زیر گنبد



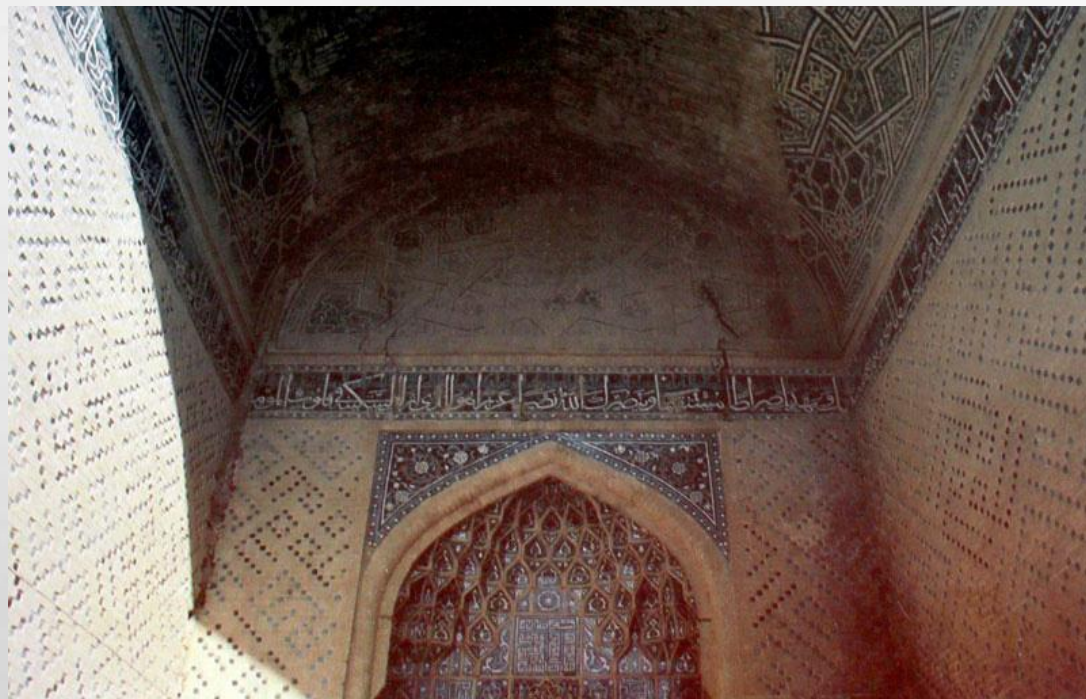
شکر سنگ: یا سنگ مها، سنگی است میان سنگ شیشه و سنگ گچ و
ریزه های آن به خرده های چینی شکسته می ماند



شنگه یا شنگرک: به معنی علم است، در معماری چوبهای کوچکی است که به صورت عمودی در دیوار می گذارند تا خرپا را به آن ببندند. ستونکی که بر روی آهنانه گنبد گذاشته و خود گنبد نیز به آن میچسبد و ستونی وسط آن میله قرار میدهند



شنگرف: ترکیبی از گوگرد و جیوه که طلا را به خود می گیرد. در محل هایی که نیاز به طلاکاری داشتند اول شنگرف می کردند تا ورقه طلا به آن بچسبد



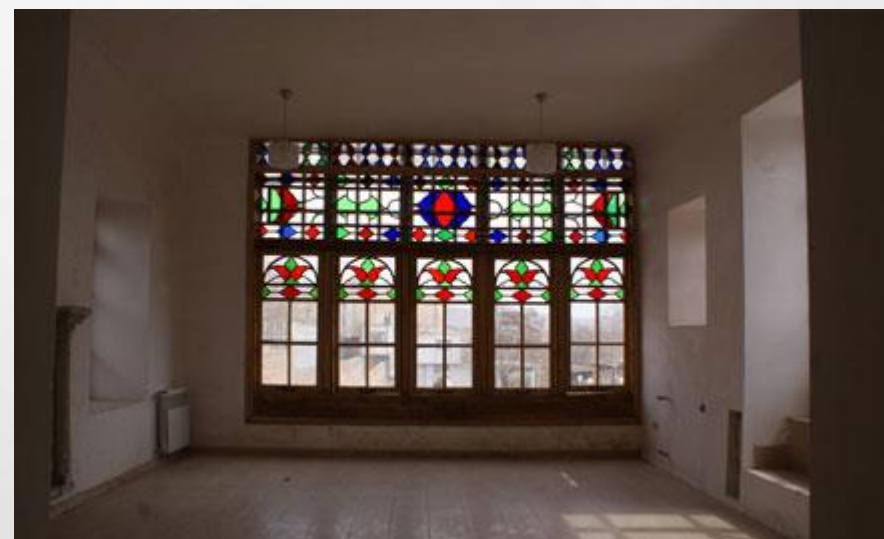
صندوقه: حفره هایی که در داخل دیوار و یا با قرار دادن آجر بدست می آید.



طره: قسمتی از لبه ی دیوار بالای پنجره پیش می آید، باران گیر، آفتاب گیر



طنبی: یعنی چادر، در معماری اتاق بزرگ است که در وسط ساختمان قرار دارد و اطراف آن را دیگر فضاها می گیرند، به اتاق دراز نیز می گویند.



فرسپ: شاه تير



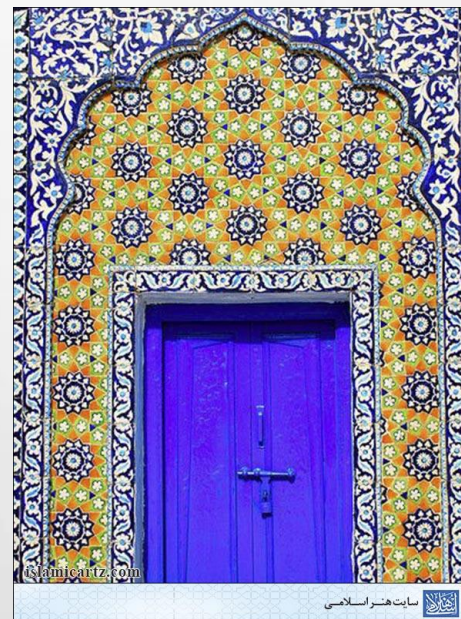
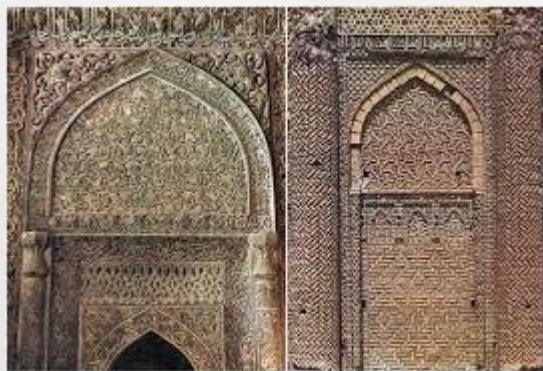
فُرش آهک: نوعی دوغاب با ماسه نرم است که در بعضی مناطق کویری جهت بیرون کشیدن شوره آجر استفاده می شده است



فریز: تمامی نقشهای باریک اصلی افقی



قطار - كتار: مثل دوال است با این فرق که در زیر آن پایه ها و یا مقرنس کاری داشته باشیم



قواره: آجر و چوبی که جهت تزیینات به صورت منحنی بریده شود



قوس تیزه دار: قوسهایی که در نوک آن تیزی دارد. تیزه دار را جناغی نیز می گویند



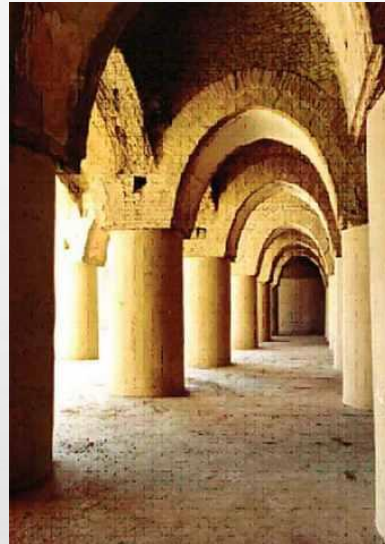
قوس مازه دار: قوس هایی که تیزه دار نیستند



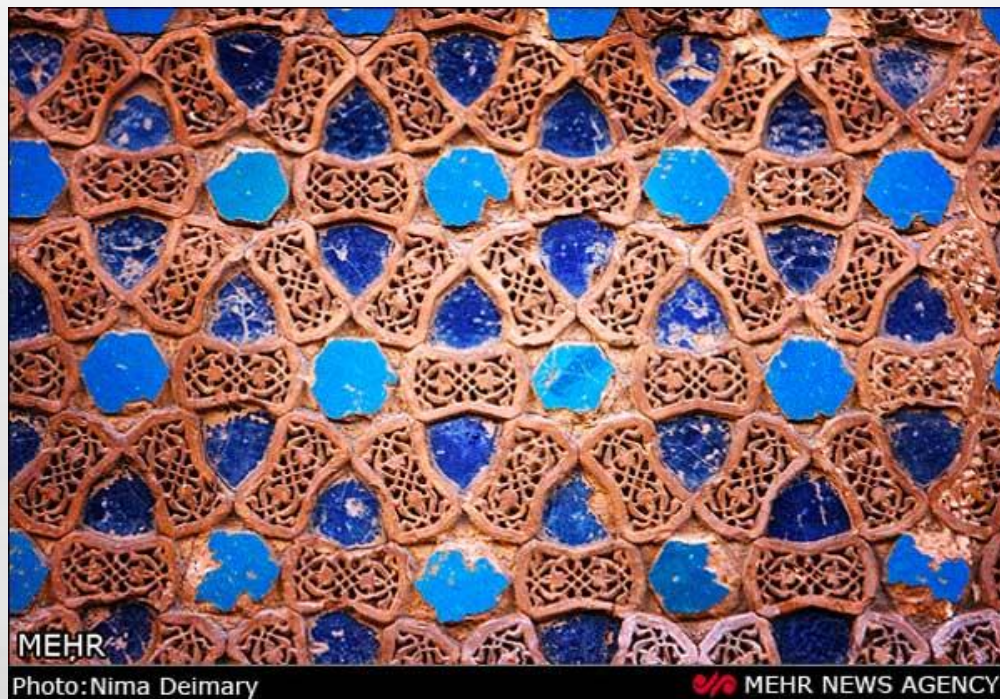
قیرچارو: ملاتی است که به جای ماسه سیمان امروزی به کار می گرفتند. به طور کلی ترکیبی است از: شیر آهک + گل رس خالص + گچ نیم پخته ی نیم کوب + ماسه دست ساز از شکر سنگ.



کاز: طاق، قوس



کاشی هفت رنگ: کاشی سفید لعاب دار را نقاشی کرده آن را داخل کوره می گذاشتند و در کار تنظیم می کردند



MEHR

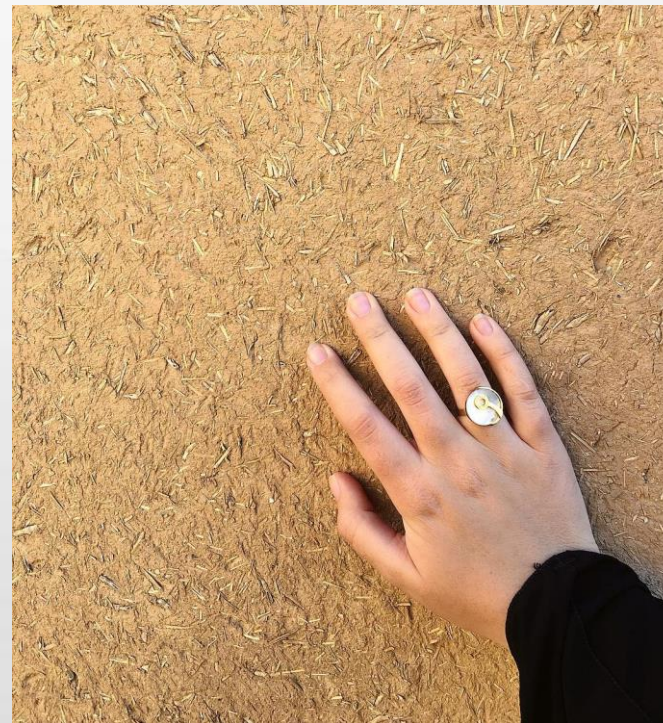
Photo: Nima Deimary

MEHR NEWS AGENCY

کانه پوش: طاق کوچکی که پشت طاق جهت شیب دار کردن آن می زنند و به آن کوره پوش نیز می گویند.



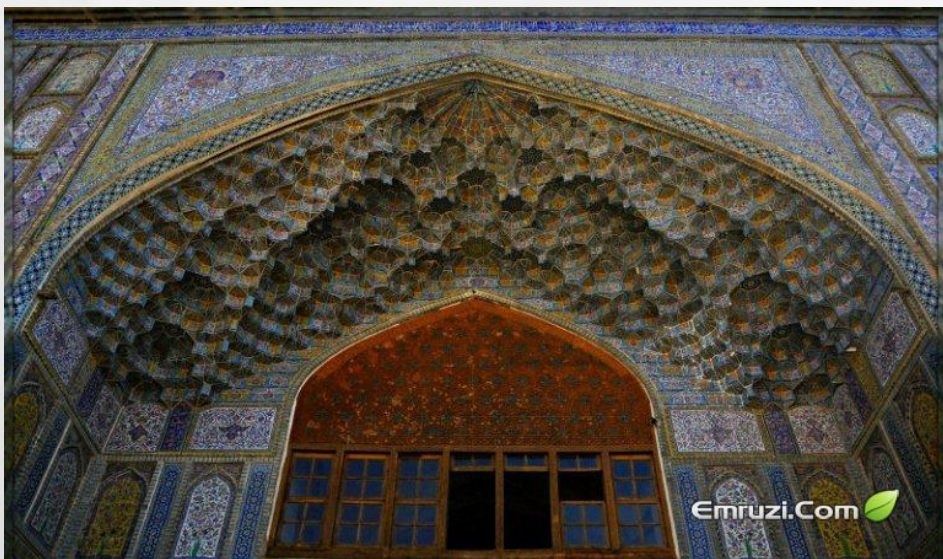
کاه گل ارزه: ارزه = ریگ روان، کاه گلی است که علاوه بر خاک رس مقداری
زیگ روان و خاک کاه شسته دارد که در نماسازی به کار می رود



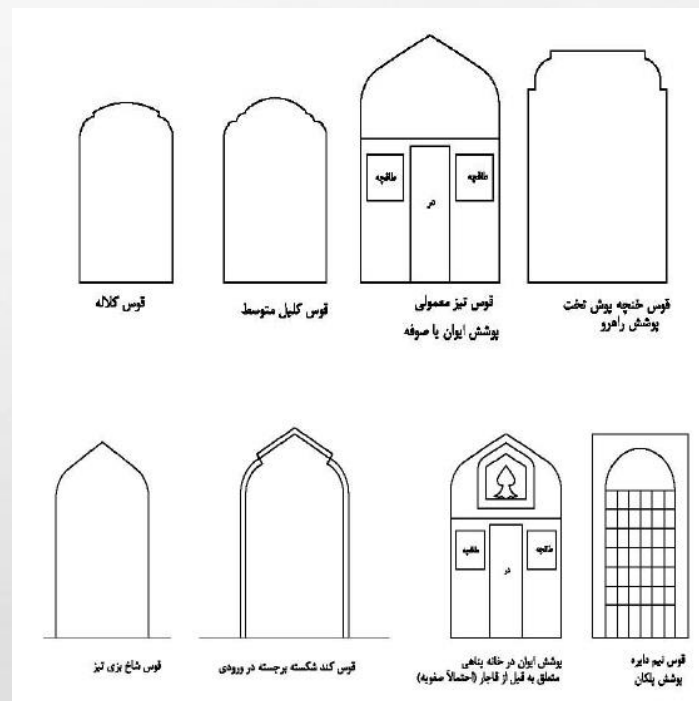
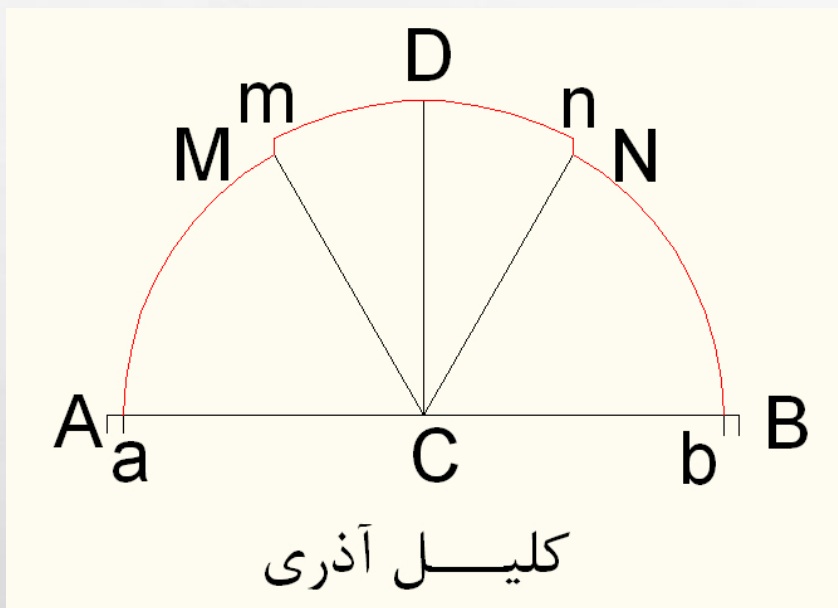
کبال: طنابی از کنف یا سیس خرما که برای بستن تیر به ستون استفاده می شده است



کژاوہ = کجاوہ: پوشش بین دو تویزہ کہ از ہر دو طرف از چفت ہا
تبعیت می کند



کلیل: یک نوع قوس کم خیز ایرانی بدون تیزه



کلیل پارتی: کلیلی است که در دوره اشکانی زیاد مورد استفاده بوده.



کل آفرنگ: کلاه فرنگی، گنبد تاج مانند، طاق واژگونه روزن دار، ساختمان میان باغها



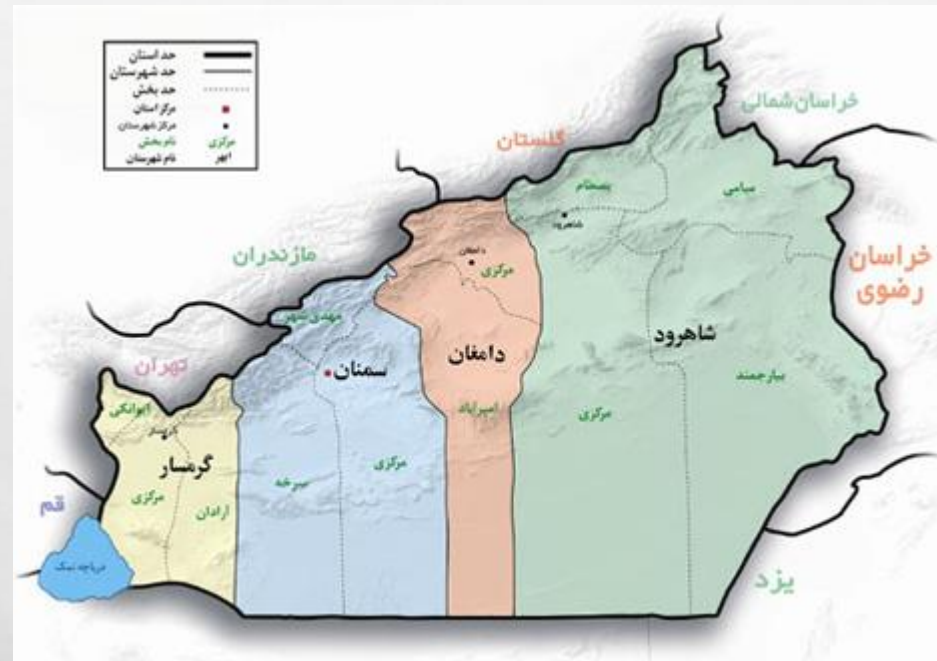
کلاوه: خانه های روستایی در منطقه ی کردستان و آذربایجان غربی که به صورت برج بوده است



کمرپوش: پوششی که در کمر فضایی زده می شود و آن را به دو طبقه تبدیل می کند



کومش : منطقه سمنان دامغان ،



کوردر: درگاهی که بسته باشد، درگاه نما



کوچه: دهانه

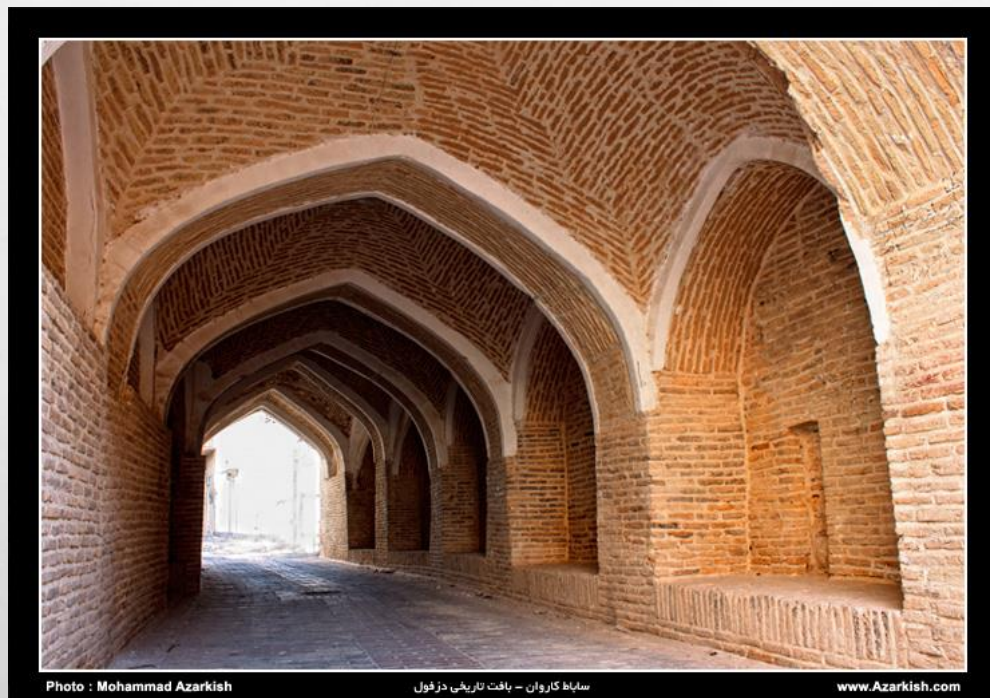


Photo : Mohammad Azarkish

سایط کاروان - بافت تاریخی دزفول

www.Azarkish.com



Photo: Mehrdad Rabie laleh

NASRNEWS.IR

کوشک: ساختمانی که در میان یک حیاط و یا باغ قرار گیرد



کیز: جایی که پاکار طاق می نشینند

گاورس: ماسه هایی که به اندازه دانه ی ارزن است



گچ بری شیر شکری: گچ بری با برجستگی های خیلی کم



تصویر ۱۳ و ۱۴ - نمونه ای از
گچبری شیروشکری در بقعه

گچ بری زبره: گچ بری که اطراف آن خیلی ساییده نشده باشد. مثل:
کتیبه ها، نمونه آن در سردر آستانه حضرت عبدالعظیم است.



گچ بری برجسته: گچ بری که برجستگی کم دارد.



گچ بری برهشته: گچ بری خیلی بیرون آمده



تصویر ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ - نمونه ای از گچبری برهشته در بقعه خدیجه خاتون (س)

گچ بری پته: گچ بری که بر روی کرباس آهاردار انجام می گرفته است



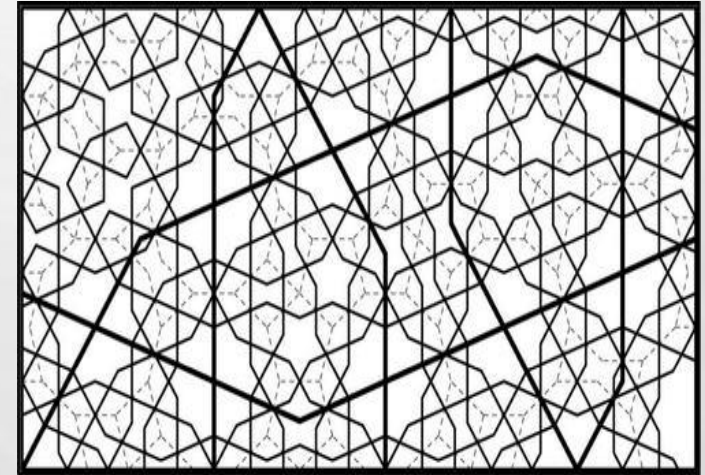
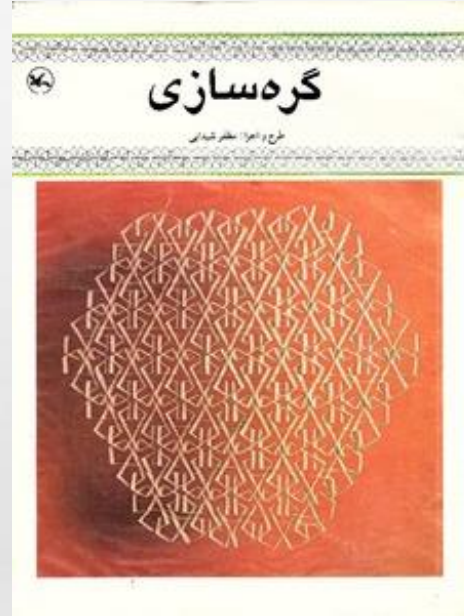
گچ تراش: شبیه به معرق است؛ گچ را در قطعاتی که می خواستند ،
می بریدند، و روی کار سوار می کردند.



گریو: استوانه ی بلند زیر گنبد



گره ساز: نقش هایی که به صورت شکسته است و خطوط مستقیم دارد



گَز: واحد اندازه در ایران



گُلّه: نقش برساو شده ای که به صورت تک یا تکرار شده باشد،
موتیف



گل اخرا: گل قرمز رنگ برای رنگ سازی



گل انداز: نماسازی هایی که در آجرچینی است و در کل نقش گلی را نشان می دهد



گل آهک: ترکیبی از خمیر آهک شسته و گل رس آسیاب شده

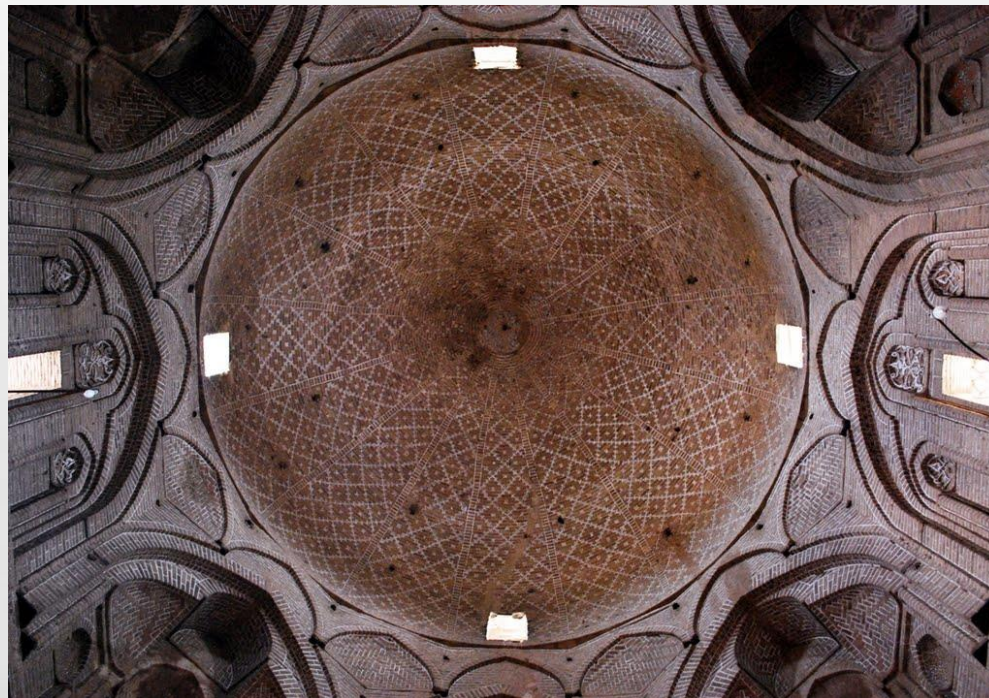


photo:Muhammad Keshvari.S

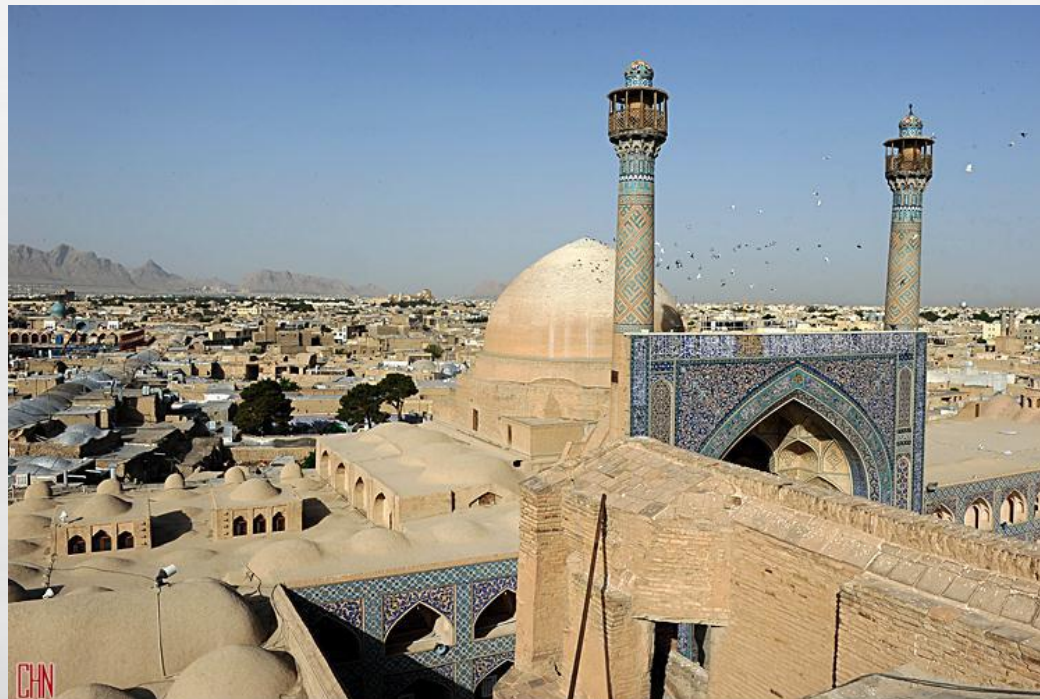
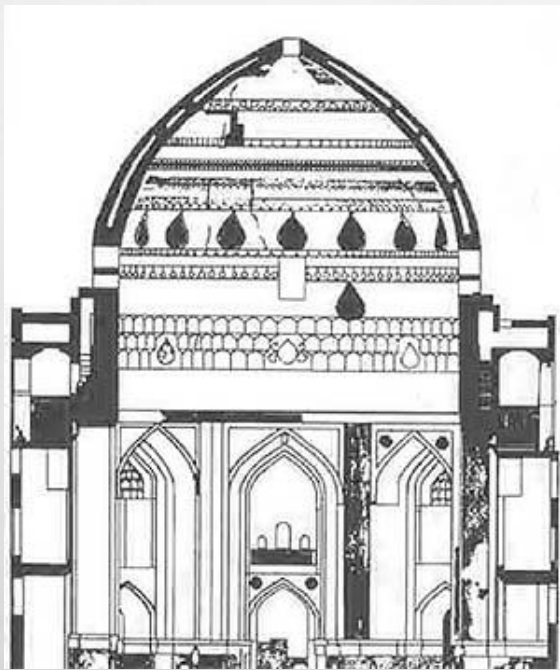
گل ریگ: آژندی است از ترکیب خاک رس و ریگ روان که برای اندود زیر گچ به کار می برند.



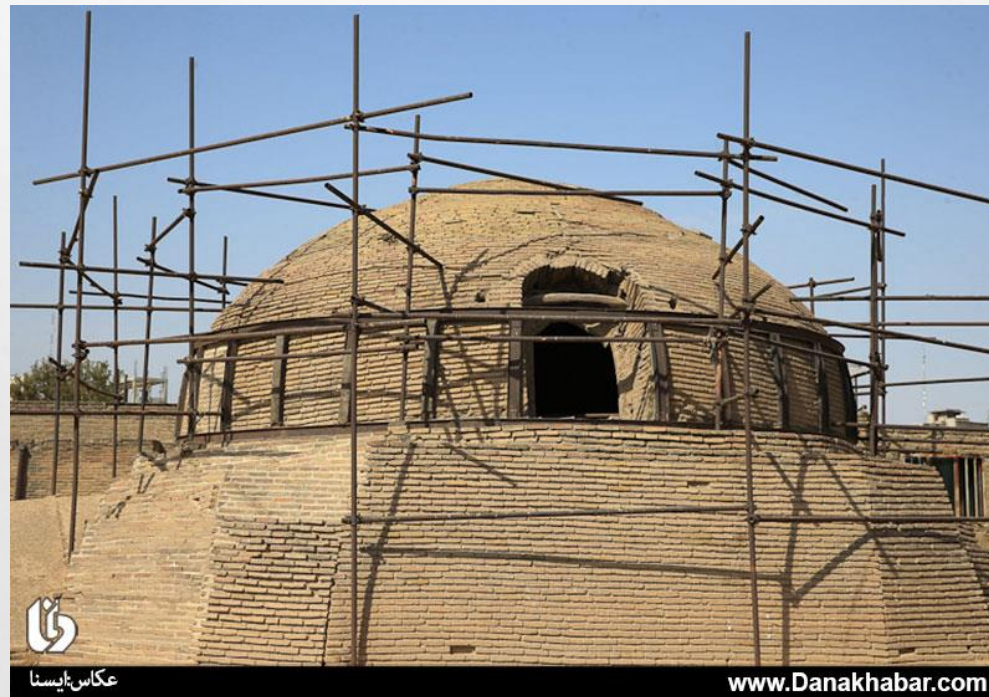
گنبد تزکین: گنبدی است که پوسته حمال آن به صورت ترک ترک ساخته می شود



گنبد خاگی: خاگ به معنی تخم مرغ است. گنبدی است که از دوران بیزکند
بوجود آید. مثل گنبد تاج الملک مسجد اصفهان



گنبد رک: گنبد‌های نوک تیز مخروطی و هرمی



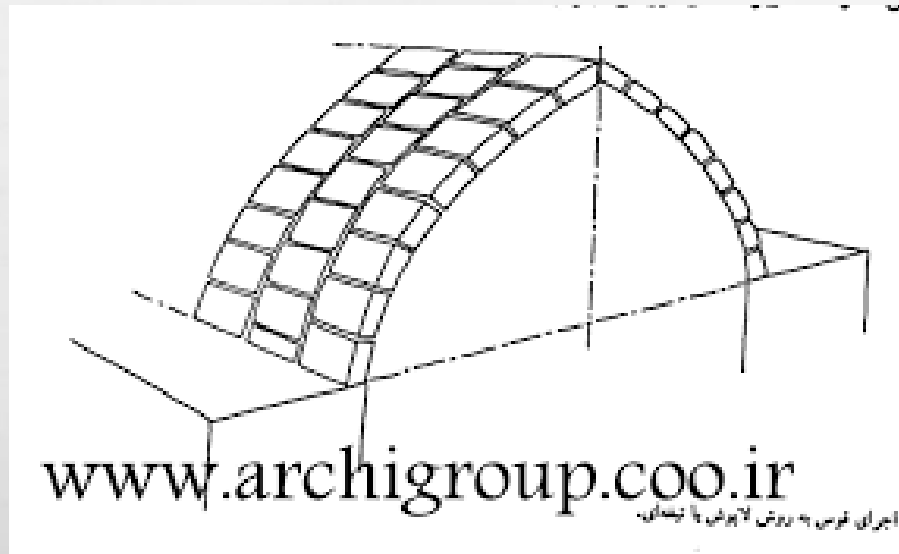
گنبد کمبیزه: گنبدی که قاعده اش به جای دایره بیضی باشد. مثل: مسجد حاج رجبعلی در تهران، امامزاده عبدالله و عبیدالله دماوند، امامزاده زید و رامین



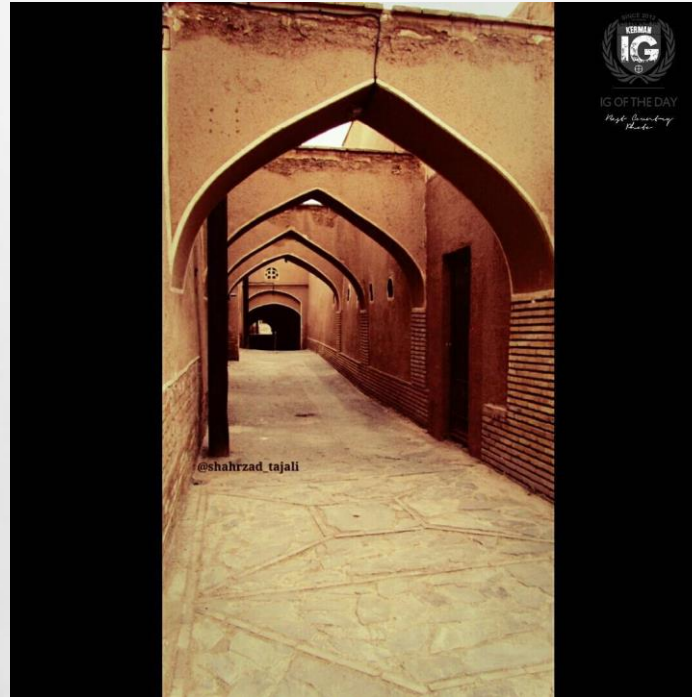
گیر: جایی که تیر در دیوار می نشینند



لاپوش: طاق ضربی



لغاز: برجستگی عمودی کنار دیوارها



نونه: ترکیبی از نخاله ی گچ و خاک و ماسه است که برای فرش کف استفاده می شود



لویی: مغزنی، گل نی



مردگرد: غلامگردش، راهرویی که پیرامون بنا می گردد

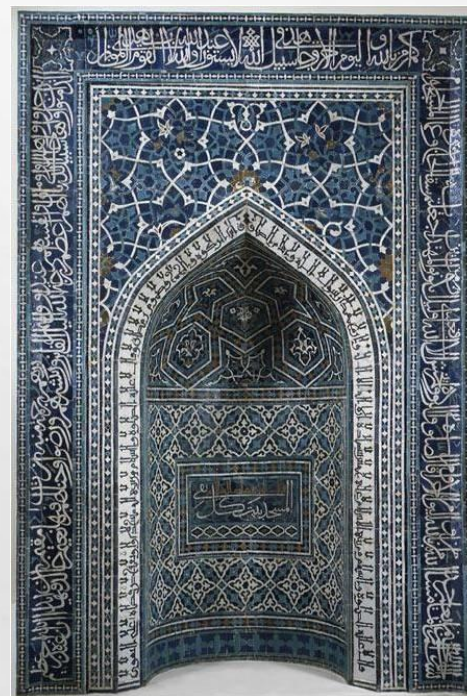


مقصوره - گنبدخانه: قسمت اصلی مسجد است که محراب در آن قرار دارد. در اصل فقط به محل محراب گفته می شود

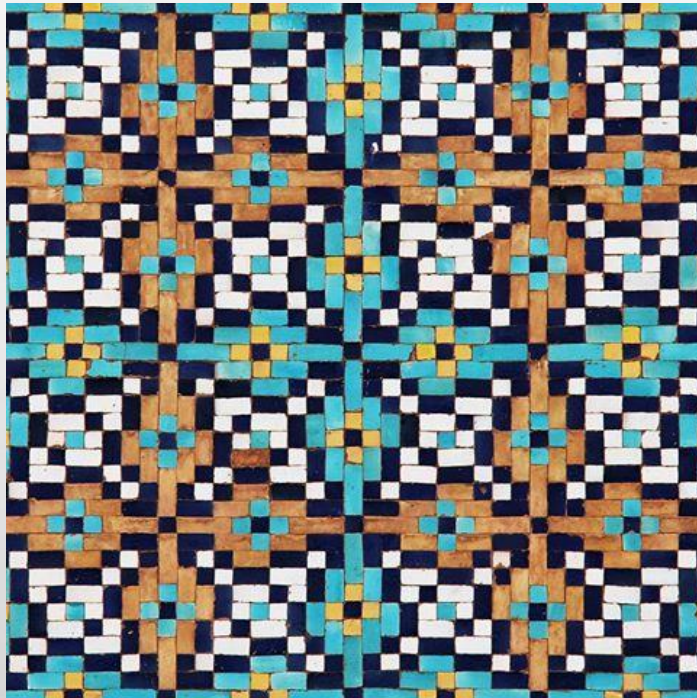


سایت سربازان اسلام

www.sarbazaneislam.com



معقلی: گره سازی مختلط کاشی و آجر



میانسرا: حیاط



نار: گنبد پیازی و نیم کره



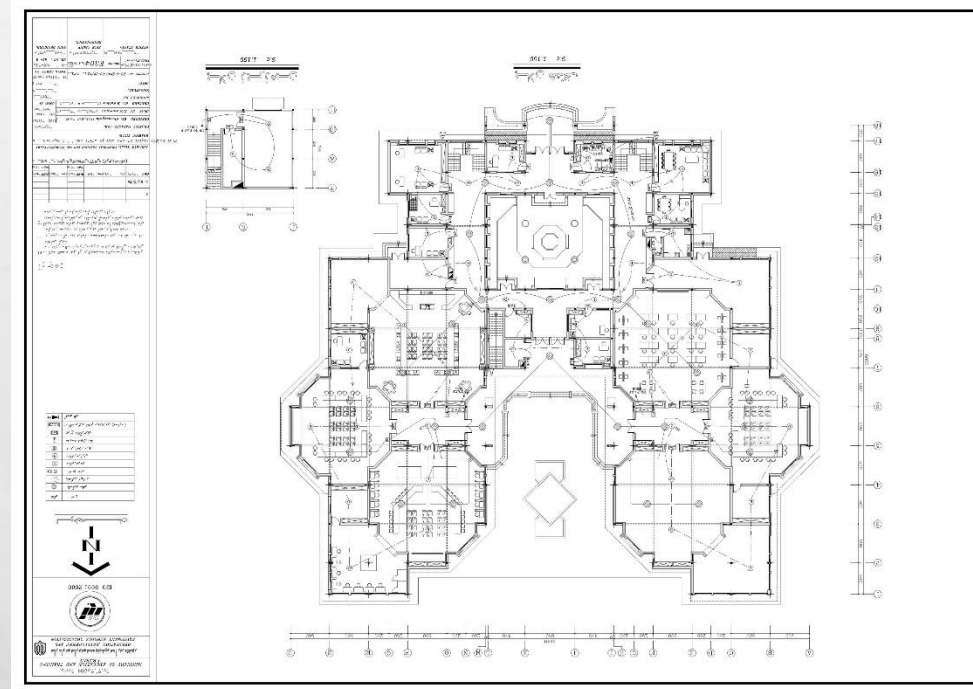
نال: لوله و نای



نال درگاه: چوب یا قوس پوشش سر درگاه



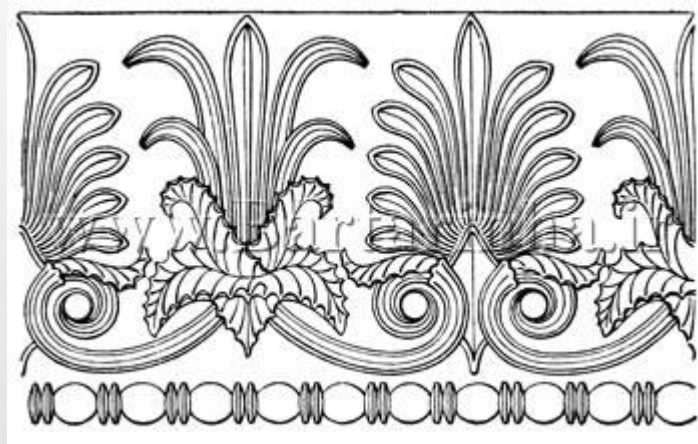
نخیر: قسمت های تو رفته در پلان



نِسار - نِسَر: قسمت پشت به آفتاب ساختمان



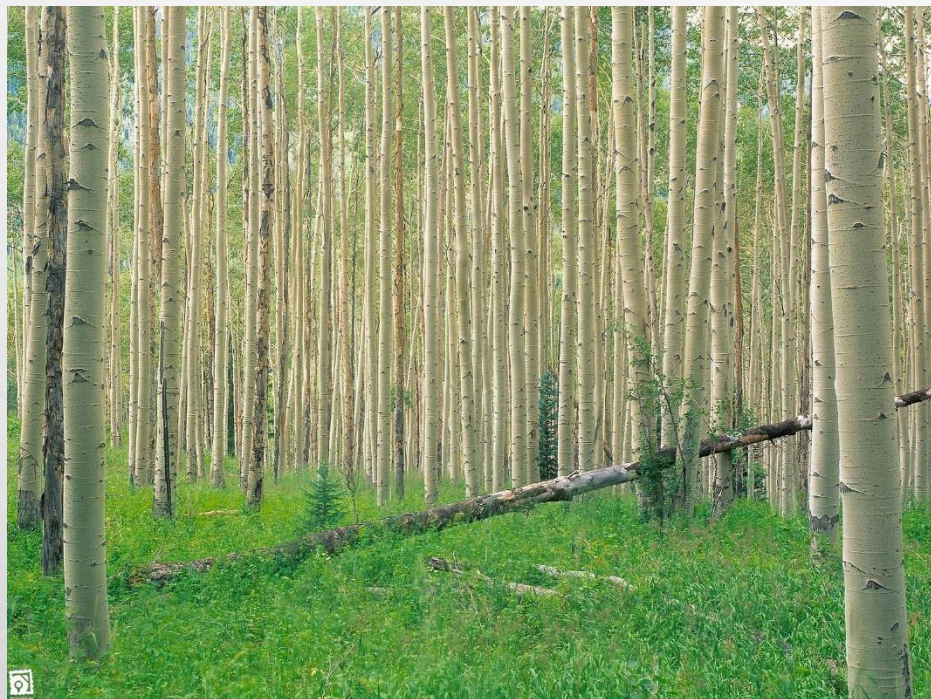
نقش برگ کنگری: نقش الهام گرفته شده از برگ کنگر، نمونه آن در گنبدخانه مسجد جامع قزوین مشاهده می گردد



نگین: در گره سازی آجری، قطعاتی از کاشی را به صورت نگین و به صورت ساده استفاده می کردند که نمونه ای بسیار زیبا از آن در برج اخنجان دیده می شود



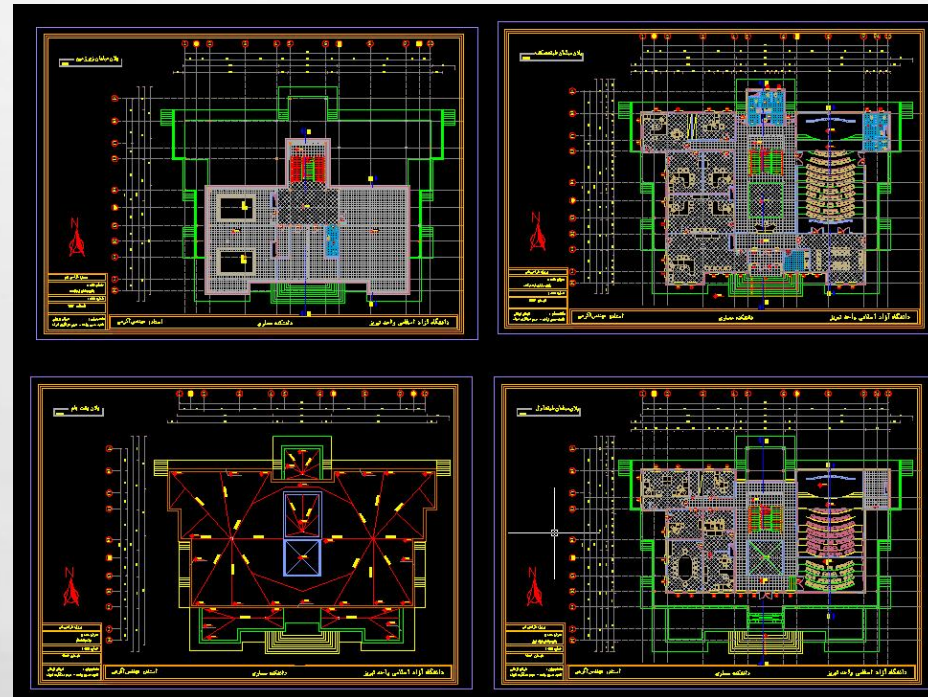
نوش: درخت صنوبر



نهالین: تشکی با چهار بالش که به جای مبل استفاده می شده است



نهاز: قسمت های بیرون زده در پلان



نہور: پرسپکتیو

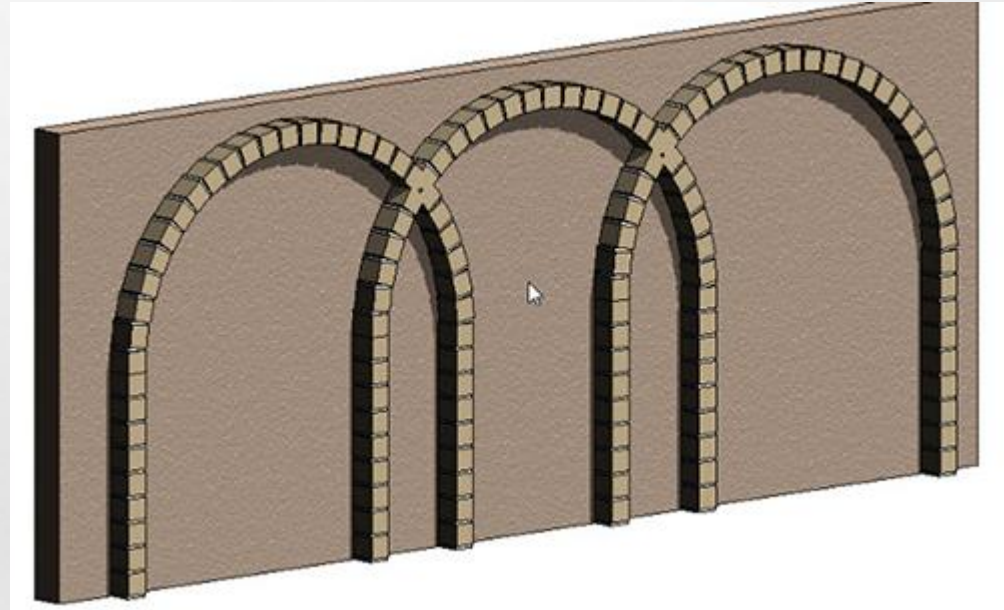
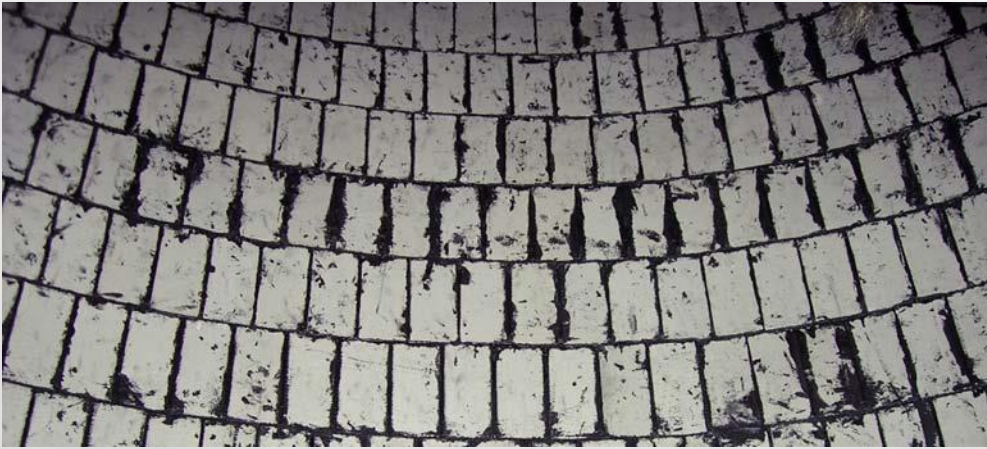


واکوفته: برای نما دادن آجر با دو تخته دو طرف آن را صاف کرده،
استفاده می کرده اند

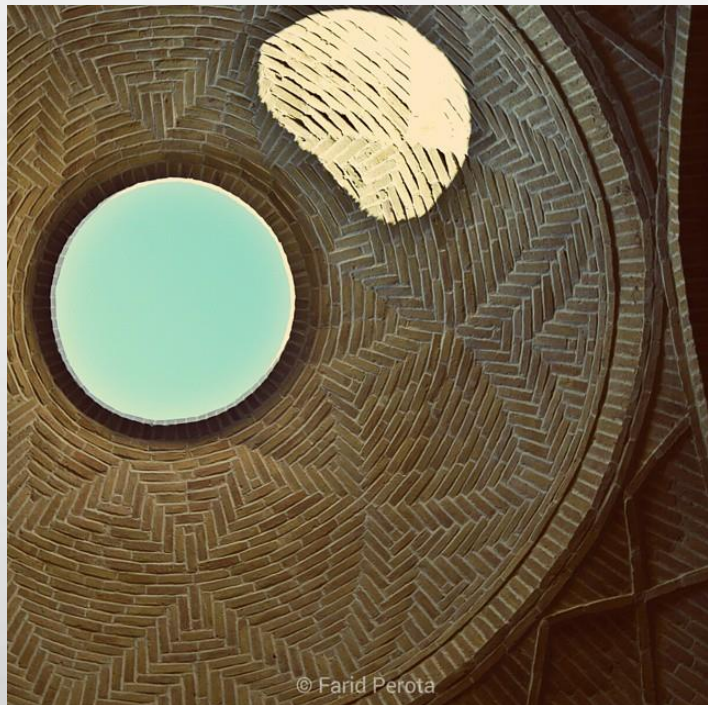
اپدته: گنبد خانه و عمارت اصلی



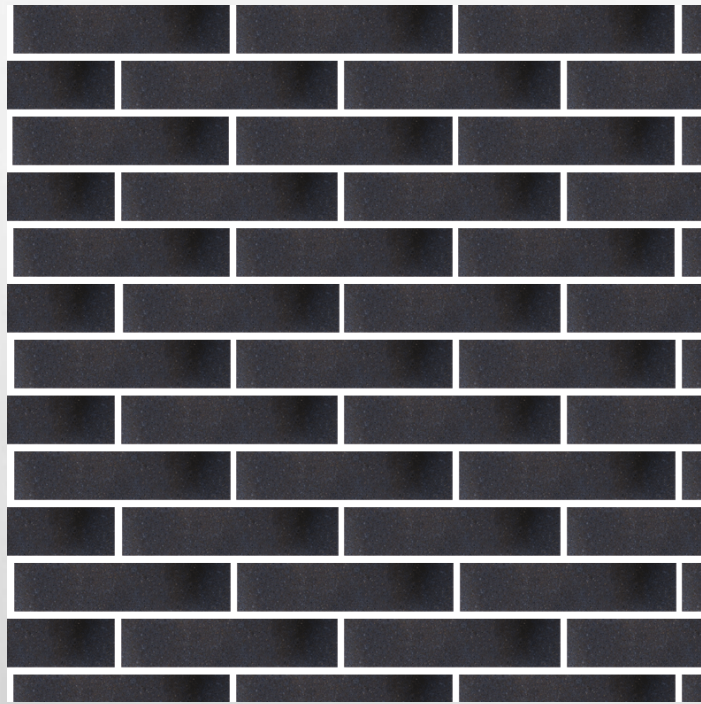
هره: آجری که به صورت نره می گذارند



هرنو: سوراخ سقف



هرزه بندی: بند عمودی بین آجرها



هدش : نشيمن



هشتی: هشتی یعنی برجسته، بیرون آمده، تنها جایی از منطقه بسته خانه بیرون می آمده و ارتباط با خارج داشته است.



هشت و گیر: نوعی گره سازی تزئینی برجسته و فرورفته.
هشت=برآمده گیر=گود، فرورفته



هلو چین: تاب - سهمی - قوس شکل نیمه تخمه مرغی - نوع معمول چفد در شما
ایران - تاق بار بر - نیم بیضی



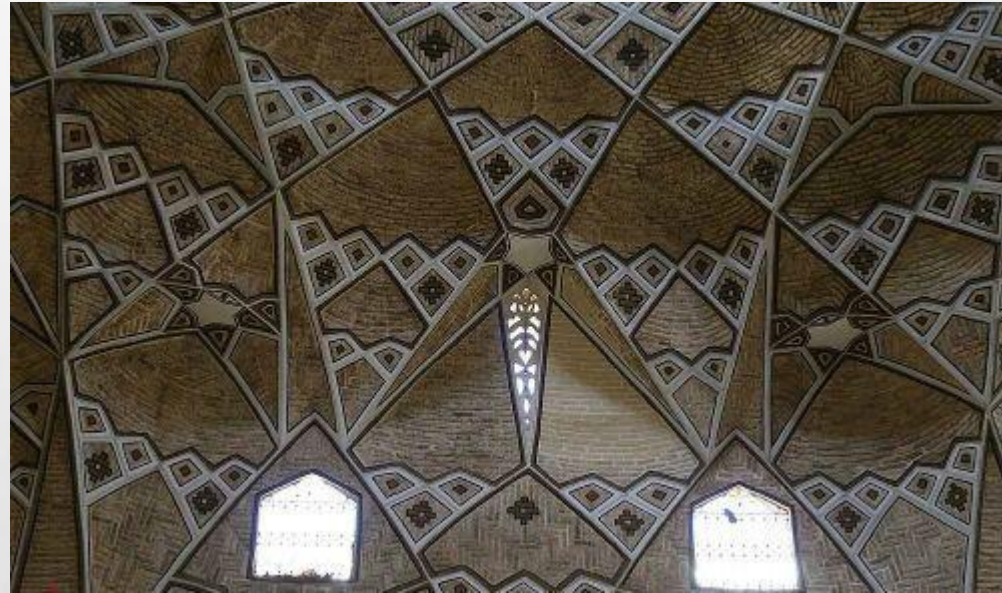
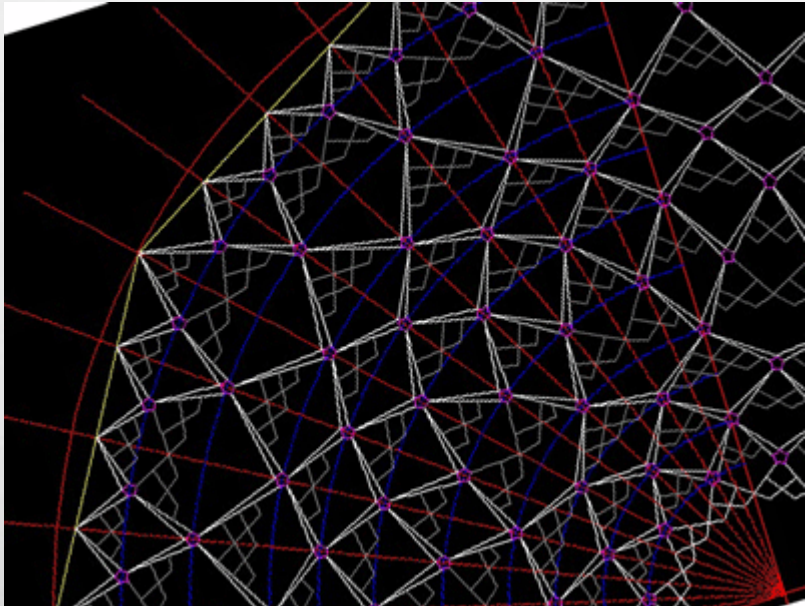
هولی: ساختمان هایی که از سقف نور می گیرند



هور: طرح یا پروژہ



یزدی بندی: نوعی ترک بندی و کار بندی. آرایشی در زیر پوشش



یله: برگرفته از طبیعت نباشد



منبع: سبک شناسی معماری ایرانی

GOOGLE.COM

پایان

تشکر از توجه شما